



معاونت منابع انسانی قوه قضائیه
اداره کل امور آموزشی



جمهوری اسلامی ایران
معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم
مرکز مطالعات و جرم‌شناسی

مفاهیم و مبانی

پیشگیری از وقوع جرم

دوره آموزشی

کلیات پیشگیری از وقوع جرم

تهیه و تدوین

واحد آموزش معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ
اللَّهُ أَحَدٌ
لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ
لَهُ كُنُوزٌ غَيْرُ حِسَابٍ
لَهُ الْكُرْسِيُّ الْعَظِيمُ
إِذَا سَأَلَ عَنْ عِبَادِهِ لِمَ فَعَلُوا كَذَا
قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَ اللَّهِ
عَمَّا يُشْرِكُونَ



فهرست مطالب

۱	پیشگفتار
۲	مقدمه
۴	بخش اول: مفهوم شناسی و مبانی نظری پیشگیری
۴	گفتار اول: تعاریف
۴	الف: جرم
۵	ب: گناه
۵	ج: انحراف
۵	د: تخلف
۶	ه: آسیب اجتماعی
۷	گفتار دوم: رویکردهای مواجهه با جرم
۷	الف) رویکرد کیفی
۸	ب) رویکرد پیشگیرانه
۸	معنی لغوی و مفهوم اصطلاحی پیشگیری
۸	بینش های حاکم بر پیشگیری
۸	الف: بینش و تعریف موسع (عام و وسیع)
۹	ب: بینش و تعریف مُضَيِّق (ضيق و محدود)
۱۰	ضرورت پیشگیری
۱۱	انواع پیشگیری
۱۱	الف: پیشگیری های متداول
۱۱	پیشگیری از بزهکاری اطفال و پیشگیری از بزهکاری عمومی
۱۲	پیشگیری عمومی و پیشگیری اختصاصی
۱۲	پیشگیری انفعالی و پیشگیری فعال
۱۳	پیشگیری اولیه، پیشگیری ثانویه و پیشگیری ثالث
۱۳	ب: پیشگیری های جدید
۱۴	پیشگیری اجتماعی، وضعی و حقوقی
۱۴	۱. پیشگیری اجتماعی

۱۴	رشد مدار
۱۵	جامعه مدار
۱۵	برخی راهبردهای پیشگیری اجتماعی
۱۶	۲. پیشگیری وضعی
۱۶	تکنیکهای پیشگیری وضعی از جرم
۱۷	ج- تکنیکهای مبتنی بر کاهش منافع قابل پیش بینی جرم
۱۷	د- تکنیکهای مبتنی بر کاهش تحریک بزهکاران
۱۸	ه- تکنیکهای مبتنی بر حذف بهانه‌ها
۱۸	چالش‌های پیشگیری وضعی
۲۱	۳. پیشگیری‌های حقوقی- قضایی
۲۱	مهمترین راهبردها پیشگیری‌های حقوقی- قضایی
۲۲	ج: تقسیم‌بندی براساس ماهیت اقدامات پیشگیرانه
۲۲	پیشگیری تنبیهی
۲۲	پیشگیری اصلاحی
۲۲	پیشگیری مکانیکی
۲۳	پیشگیری علی
۲۴	د: تقسیم‌بندی براساس فرآیند وقوع جرم
۲۵	بخش دوم: فرایند مدیریت پیشگیری از جرم
۲۵	گفتار اول- الگوی علمی و نظری فرایند پیشگیری
۲۵	مرحله اول- شناسایی مسئله جرم و تعیین اهداف کاهش جرم
۲۶	مرحله دوم- آسیب شناسی علل جرم
۲۶	مرحله سوم- انتخاب اقدامات ویژه و ارائه راه حل‌های عملیاتی کاربردی
۲۷	مرحله چهارم- اجرای تدابیر پیشگیری
۲۷	مرحله پنجم- بازخوردگیری، نظارت و ارزیابی
۲۹	گفتار دوم- الگوی عملیاتی فرایند پیشگیری
۲۹	مرحله اول) تعریف مسئله- "در حال حاضر در چه موقعیتی هستیم؟"
۲۹	مرحله دوم) تعیین اهداف روشن- "به کجایم خواهیم برسیم؟"
۳۰	مرحله سوم) تعریف راهبردها و تاکتیک‌ها- "چگونه باید به هدف برسیم؟"

- مرحله چهارم) تعیین منابع - "چه کسی برنامه را اجرا و چه کسی هزینه آن را خواهد پرداخت؟" ۳۰
- مرحله پنجم) تعیین فرایند ارزیابی - "چگونه باید کاری را که انجام می‌دهیم، اندازه‌گیری کنیم؟" ۳۰
- مرحله ششم) ارزیابی پیش از اجرای پروژه - "آیا برنامه ارزشمند خواهد بود؟" ۳۱
- مرحله هفتم) تصمیم‌گیری - "آیا برنامه را اجرا کنیم یا خیر؟" ۳۱
- مرحله هشتم) اجرای برنامه - "برنامه را اجرا کنیم." ۳۱
- مرحله نهم) نظارت در حین اجرا - "چگونه انجام می‌دهیم؟" ۳۱
- مرحله دهم) ارزیابی - "برنامه را چگونه انجام داده‌ایم؟" ۳۲
- بخش سوم: مدیریت راهبردی پیشگیری از جرم** ۳۳
- گفتار اول: متولیان پیشگیری و مدیریت آن ۳۳
- ۱) نهادهای دولتی (حکومتی) دخیل در پیشگیری از جرم ۳۴
- نهادهای زیرمجموعه قوه مجریه ۳۴
- نهادهای زیرمجموعه قوه قضائیه ۳۵
- نهادهای زیرمجموعه قوه مقننه ۳۵
- ۲) نهادهای غیردولتی دخیل در پیشگیری از جرم ۳۵
- نهادهای جامعی ۳۵
- موسسات عمومی غیردولتی ۳۶
- شوراها ۳۶
- نهادهای انقلاب اسلامی ۳۶
- گفتار دوم: پیش‌نیازهای مدیریت پیشگیری از وقوع جرم ۳۸
۱. پیش‌نیازهای قانونی - مقرراتی ۳۸
۲. پیش‌نیازهای شکلی - ساختاری ۴۱
۳. پیش‌نیازهای محتوایی - مطالعاتی ۴۲
- گفتار سوم: فرآیند مدیریت پیشگیری از جرم ۴۶

پیشگفتار

با پیشرفت و دگرگونی نظام‌های اجتماعی و در کنار آن فناوری‌ها، زمینه برای ایجاد هنجارهای جدید اجتماعی و در مقابل آن ناهنجاری‌های جدید و شیوه‌های پیچیده و متنوع نقض آن هنجارها فراهم می‌شود که این امر تلاش متولیان اخلاقی و قانونی حوزه پیشگیری و کاهش جرم را دو چندان می‌کند و نه تنها نیازمند نگاه‌های علمی و واقع‌بینانه جدید می‌باشند بلکه باید به راه‌های کاربردی نوین، با تکیه بر مبانی دینی، مقتضیات ملی و بهره‌گیری از آخرین یافته‌های علمی و تجارب سایر کشورها در زمینه پیشگیری از جرم نیز دست یابند و تعیین راهبرد و راهکار برای پیشگیری از جرم آشنایی با کلیات پیشگیری می‌باشد.

نسبت به مقوله پیشگیری از جرم در سطح کارکنان اداری اقدام مؤثر و کاربردی صورت پذیرفته و اکثراً آشنایی علمی و کاربردی با موضوع پیشگیری از جرم نداشته و یا بصورت گسسته و جزئی اطلاعاتی در این مورد دارند. واحد آموزش معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم با توجه به وظایف محوله و تشخیص و احساس خلأ موجود در سر فصل‌های آموزشی اقدام به طراحی و پیشنهاد دوره آموزشی آشنایی با مبانی و مفاهیم پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی نموده که دوره پیشنهادی توسط کمیسیون محترم طراحی دوره‌های آموزشی معاونت آموزش و تحقیقات وقت قوه قضاییه تصویب و در نیمه دوم سال ۹۲ بعنوان یک دوره آموزشی ۱۲ ساعته برای کارکنان به تمام قسمت‌های قوه قضاییه جهت اجرا ابلاغ گردید. با عنایت مسئولان آموزش قوه قضاییه در طی سال ۱۳۹۳، ده (۱۰) دوره آموزشی در سطح کارکنان ستادی قوه قضاییه برگزار شد که برگزاری مؤثر این کلاس‌ها، این معاونت را مصمم به برگزاری دوره‌های کاربردی پیشگیری از جرم در سطوح مختلف پیشگیری‌های اجتماعی، قضایی و وضعی کرده است که انشالله در سال آینده دوره‌های آموزشی مربوطه ادامه خواهد یافت.

جزوه آموزشی پیش‌رو ماحصل اجرای دوره‌های آموزشی مذکور است که سعی کرده به صورت مختصر و مفید، به بیان ساده مبانی و مفاهیم پیشگیری از جرم بپردازد تا بدینوسیله افکار آموزش‌پذیران با مقوله پیشگیری که مقوله‌ای دینی و علمی است آشنا شده و با اطلاع و رعایت آن در زندگی و امورات جاری جامعه‌ای با آسیب و اعمال مجرمانه‌ای کمتر و کنترل شده‌ای مواجه شوند. بدیهی است پرداختن عمیق و گسترده به مقوله پیشگیری که بیش از نیم‌قرن سابقه علمی و اجرایی در دنیا دارد مجال بسیار فراتر از این می‌طلبد.

در پایان لازم است از جناب آقای دکتر ذوالقدر که اعتماد و عنایت ایشان موجب شروع این حرکت بوده و همچنین از جناب آقای دکتر الفت معاون محترم اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه، جناب آقای امیری قائم مقام محترم معاونت، جناب آقای دکتر علوی نژاد مشاور و رییس محترم مرکز مطالعات اجتماعی و جرم‌شناسی، جناب آقای دکتر احمدرفیعی دادیار محترم دادرسی دیوانعالی کشور، حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای عاملی مدیرکل محترم امور آموزشی معاونت آموزش و تحقیقات، همکاران و کارشناسان محترم معاونت، خصوصاً آقایان دکتر احسان بابایی، هادی توکل پور، حسینعلی عطوف و تمام عزیزانی که در این راستا به هر طریقی که می‌توانستند کمک نمودند، کمال تشکر و قدردانی را بنمایم.

بارالها چنان کن سرانجام کار؛ تو خشنود باشی و ما رستگار.

مهرداد عارضی

مسئول آموزش

معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه

مقدمه

وقوع جرم پدیده‌ای جهانی است که همواره جزء چالش‌های اساسی جوامع بشری بوده است. افزایش تجربه‌های بشری در مقابله با وقوع جرم نشان داده که نمی‌توان تنها با استفاده از ابزارهای کیفری مانند جرم‌انگاری‌های متعدد، وضع مجازات‌های کیفری، تعقیب و کیفر امیدی به پیشگیری از وقوع و کاهش نرخ جرم و آسیب‌های اجتماعی داشت. از آنجا که جرم به عنوان پدیده‌ای انسانی- اجتماعی و محصول تعامل انسان و اجتماع است و ویژگی‌های فردی و شخصیتی و محیطی در آن مؤثر است؛ امروزه در مطالعات، برنامه‌ها و اقدامات دولت‌ها و سازمان‌های ملی، منطقه‌ای و فراملی مطالعات اجتماعی با رویکرد پیشگیرانه در ابعاد اجتماعی و محیطی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. از این‌رو با طرح‌ریزی‌ها و برنامه‌های مدون و مشخص و برداشتن قدم‌های برنامه‌ریزی شده سعی در کاهش و کم‌رنگ کردن فرصت‌ها و انگیزه‌های بزهکارانه دارند تا از این طریق بتوانند از شدت و افزایش نرخ بزهکاری در جامعه بکاهند. اثربخشی این سیاست‌ها در کشورهای مختلف موجب شده در ایران نیز برنامه‌ریزی برای کنترل جرم با هدف پیش‌بینی امکان ارتکاب جرم در آینده و تلاش برای کاهش فرصت‌های بزهکارانه در ردیف اهداف مهم دستگاه قضایی قرار گیرد.

در کشور ما علیرغم داشتن سرمایه‌های اعتقادی و دینی و سنت‌های ملی، شاهد افزایش نرخ برخی جرایم و آسیب‌های اجتماعی هستیم که علاوه بر هزینه‌های مربوط به عدالت کیفری باعث کاهش سرعت توسعه و پیشرفت و خدشه به حیثیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران خواهد شد و همین دلایل ضرورت پیشگیری از وقوع جرم را بیشتر می‌کند. به موجب بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، مدیریت پیشگیری از وقوع جرم به‌عهده قوه قضائیه است و در همین راستا معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم از سال ۱۳۸۹ و با ساختار مناسب در مرکز استان‌ها تشکیل شد. مقام معظم رهبری در هفته قوه قضائیه سال ۱۳۹۳ پیشگیری از وقوع جرم را از اولویت‌های برنامه‌های قضایی کشور اعلام فرمودند که باید بصورت فراقوه‌ای باشد و با مشارکت همه قوا و به صورت علمی سازمان یابد و در ابلاغ حکم مسئولیت دوره دوم ریاست محترم قوه قضائیه -۱۳۹۳- نیز پس از بیان ماموریت‌های متعدد قوه قضائیه مثل ایجاد ساز و کار مناسب برای دسترسی آسان همگان به عدالت، کوتاه کردن مسیر دادرسی، اصلاح قوانین و تهیه لوایح مورد نیاز قوه، تأمین سلامت ارکان قوه، اعمال نظارت مناسب، مبارزه اساسی با فساد با تعبیر «از همه مهم‌تر به ایجاد امنیت اجتماعی و پیشگیری» اشاره فرمودند.

بدیهی است برای تحقق این هدف پس از شناسایی ناهنجاری‌ها، ماهیت و علل آنها لازم است راهبردهای پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی تدوین گردد و برای رسیدن به این مهم، روش‌های سنتی و معمول مدیریت کفایت نمی‌کند. بر این اساس باید با رویکردی راهبردی، توانمندی‌های مدیریت پیشگیری مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و مبتنی بر اهداف، اصول و ارزش‌ها، مأموریت پیشگیری، از مرحله چشم‌انداز تا تعیین خط‌مشی‌ها و سپس راهبردها، تدوین گردد؛ ضمن آنکه نظارت و ارزیابی برنامه‌ها و نیز اصلاح راهبردها ضروری خواهد بود که در این اثر به خوبی به این جهات توجه شده است.

بر این اساس به منظور آشنایی و گفتمان‌سازی این موضوع بنیادین و حساس در داخل و خارج از دستگاه قضایی، در این جزوه آموزشی سعی شده است مبانی پیشگیری از جرم ((از مرور جایگاه قانونی پیشگیری از جرم تا مدیریت راهبردی پیشگیری)) به صورت مختصر مورد بررسی قرار گیرد.

بخش اول: مفهوم‌شناسی و مبانی نظری پیشگیری

قبل از آغاز بحث لازم است حیطه و تعریف مفهوم پیشگیری از جرم مشخص شود. لذا ابتدا با تعاریف مختصر مربوط به حیطه‌های موضوع پیشگیری و سپس با رویکردهای مواجهه با جرم آشنا شده و سپس به بیان و تعریف و انواع پیشگیری می‌پردازیم.

گفتار اول: تعاریف

کج روی یا ناهنجاری اصطلاحی است که در مورد رفتارهای خلاف هنجار به کار برده می‌شود. همانگونه که می‌دانیم، هنجارها منشاءهای مختلفی دارند. برخی از هنجارها ریشه در عرف و عادت دارند؛ برخی دیگر مبتنی بر توافق اجتماعی هستند و نوع قوی‌تری از هنجارها نیز از دین، اعتقادات و اخلاق سرچشمه می‌گیرند^۱ و در جامعه ما که جامعه‌ای اسلامی است مهم‌ترین و اصلی‌ترین هنجارهای ما نشأت گرفته از دین مقدس‌مان اسلام است. ناهنجاری‌ها را می‌توان براساس نتیجه آن به جرم، گناه، انحراف، تخلف و آسیب اجتماعی دسته‌بندی کرد. با کمی دقت متوجه می‌شویم که موضوع پیشگیری به علت گستردگی ابعاد مشمول خود تمامی این عرصه‌ها را دربر می‌گیرد. درهم‌تنیدگی عرصه‌های گناه، تخلف، آسیب و جرم و تأثیر آنها بر یکدیگر موجب می‌شود که انفکاک آنها از هم غیرقابل تصور بنماید و لذا حیطه عمل پیشگیری شامل همه آنها و با به عبارت جامع‌تر، «ناهنجاری»ها می‌شود. به صورت مختصر می‌توان هر یک از این عرصه‌ها را بدین ترتیب تعریف نمود:

الف: جرم

بموجب ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود.» در واقع، جرم رفتاری است که نقض هنجارهای اساسی جامعه محسوب می‌شود. هنجارهایی که از آستانه تحمل جامعه فراتر می‌رود و تحمل و اغماض آن توسط افراد جامعه سخت است و به لحاظ شدت و خطری که برای فرد و جامعه دارد قانون‌گذاری، این رفتارها را جرم‌انگاری می‌کند بنابراین جرم‌انگاری یک امر حکومتی است که برای ایجاد نظم و امنیت و کاهش مفاسد و جرایم صورت می‌گیرد و هر رفتاری که قانون مجازات اسلامی برای آن کیفر تعیین کرده باشد جرم است.

^۱ . معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، راهنمای کارگاه علمی کاربردی، بهار ۱۳۹۱، ص ۱۷.

ب: گناه

رفتارهایی است که ممکن است با ضمانت اجرای دنیوی روبرو نشود و عقوبت اخروی دارد و ممکن است با ضمانت اجرای غیررسمی در جامعه روبرو شود که جنبه فردی داشته و آن قدری نقض هنجارها را به دنبال ندارد که قانونگذار بخواهد برای آن مجازات قرار دهد به عنوان مثال غیبت یا دروغ گناه است که معمولاً به خاطر آن کسی را مجازات نمی‌کنند هر چند که ممکن است در یک جامعه اسلامی میان افراد آن جامعه موجب تقبیح آن فرد شود اما مجازات ندارد.

در شریعت اسلام، گناه با واژگانی چون اثم، ذنب، سیئه، معصیت، فسق، فساد، منکر، حرام، جرم و مواردی دیگر مورد اشاره قرار گرفته است و در صورتی که این رفتارها توسط شارع علاوه بر عقوبت اخروی دارای ضمانت اجرای دنیوی نیز باشد، جرم خواهد بود.

ج: انحراف

شکستن هنجارهای کم‌اهمیت‌تر و عرفی جامعه است و جامعه آستانه تحمل بالاتری در موارد نقض آنها دارد اما آنچه مهم است این است که انحراف در حوزه پیشگیری مورد توجه قرار می‌گیرد و لذا در پیشگیری فقط صرف جرم مهم نیست بلکه گناه، انحراف، تخلف و آسیب اجتماعی هم مهم‌اند زیرا هر کدام می‌توانند در آینده‌ای نزدیک زمینه‌ساز جرایمی شوند که هنجارهای اساسی جامعه را نقض می‌کند و از آنجایی که امکان تبدیل رفتار انحرافی به جرم بسیار زیاد است، جوامع تلاش دارند تا با پاسخ به انحراف و کنترل و اصلاح آن، خطر تبدیل منحرفان به مجرمان را به حداقل ممکن برسانند. بنابراین کسانی که در مقوله پیشگیری از جرم فعالیت می‌کنند حتماً باید انحراف را هم مدنظرشان قرار دهند زیرا حلقه‌ی اولیه‌ای است که در انتها به ارتکاب جرم منتهی می‌شود. پس جرم ضمانت اجرایش مجازات و رسمی است که توسط حاکمیت اعمال می‌شود اما گناه و انحراف این طور نیست.

د: تخلف

گونه‌ای دیگر از ناهنجاری‌هاست که جرم نیست بنابراین ضمانت اجرایش مجازات نمی‌باشد بلکه ضمانت اجرایش جریمه است و تقریباً در انتهای انحراف می‌گنجد و مربوط به یک گروه رسمی مانند محیط‌های اداری، محیط‌های سربازی، اصناف و ... است و لازمه تداوم فعالیت این گروه‌ها حفظ نظم است. ضمانت اجرا در تخلف، رسمی است و حوزه آن یا جنس و سنخیت آن مانند گناه و انحراف است اما شاید گناه هم لزوماً نباشد، مثلاً اگر کسی غیبت کرد و

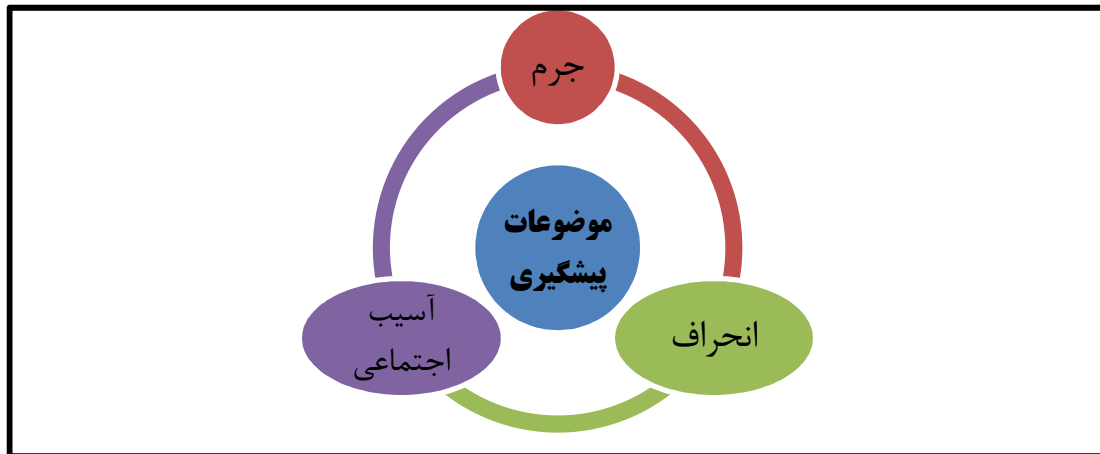
در محل کارش حضور پیدا نکرد تخلف محسوب می‌شود و با ضمانت اجرای رسمی روبرو می‌شوند اما جرم مرتکب نشده است.

در قانون تخلفات اداری مصوب ۱۳۸۲ قسمت دوم، ۳۸ مورد از تخلفات اداری را ذکر کرده که اگر کارمندان دولت مرتکب این تخلفات بشوند توسط هیأت‌های رسیدگی کننده به تخلفات بررسی می‌شوند پس از لحاظ مرجع هم بین جرم و تخلف تفاوت وجود دارد جرم معمولاً در دادگاه‌ها و بعضاً در شوراهای حل اختلاف که وابسته به قوه قضائیه‌اند بررسی می‌شود اما تخلف در هیأت‌های اداری انضباطی بررسی می‌شود که احتمالاً قوه مجریه است و ربطی به قوه قضائیه ندارد.

ه: آسیب اجتماعی

علاوه بر موارد ذکر شده گونه‌ای دیگر از ناهنجاری‌ها وجود دارد که البته با تسامح به آن ناهنجاری گفته می‌شود زیرا هیچ گونه هنجارشکنی و پشت کردن به هنجار در آن رخ نداده ولی از آن جایی که سازوکار نظام و ارگانیک اجتماعی را مختل می‌کند یکی از موضوعات پیشگیری از وقوع جرم می‌باشد.

البته برای آسیب اجتماعی تعریف دقیقی وجود ندارد و در حوزه علوم اجتماعی، هر رفتار و پدیده‌ای که سازوکار نظم و ارگانیک اجتماعی را مختل کند به آن آسیب اجتماعی گویند که طبق این تعریف چهار مورد ذکر شده نیز آسیب اجتماعی هستند اما آسیب اجتماعی در حوزه حقوقی تفکیک شده‌تر بیان شده و تعریف آن براساس حوزه حقوقی عبارت است از هر رفتار و ناهنجاری که جزء چهار مورد ذکر شده (جرم، گناه، تخلف، انحراف) نباشد و سبب مختل کردن نظم و ارگانیک اجتماعی شود مانند طلاق که گرچه حلال است ولی آسیب‌های خاص خود برای خانواده‌ها و اجتماع به دنبال دارد یا فقر و بیکاری هم به عنوان آسیب دیگری است که افراد فقیر و بیکار بیشتر در خطر بزهکاری قرار دارند. آسیب‌های اجتماعی از این نظر در حوزه پیشگیری قرار می‌گیرند که بستر مناسبی را برای ظهور و گسترش جرم و انحراف فراهم می‌کنند و از سوی دیگر جرم و انحراف نیز خود از آسیب‌های اجتماعی مهم محسوب می‌شوند. با توجه به موارد فوق آسیب‌شناسی اجتماعی عبارت است از مطالعه نابسامانی و اختلال و عدم هماهنگی و تعادل در کارکردهای مربوط به کالبد حیات اجتماعی انسانها.



شکل شماره (۱): موضوعات پیشگیری (مثلث جرم)

گفتار دوم: رویکردهای مواجهه با جرم

الف) رویکرد کیفری

تقریباً از ابتدای نیمه دوم قرن ۲۰ میلادی کیفر و مکاتب مختلف کیفری وجود داشته که مکاتب مهم کیفری در دو سه قرن اخیر عبارتند از: کلاسیک، اثباتی یا تحقیقی، نئوکلاسیک و دفاع اجتماعی. در همه این مکاتب مجازات برای هر جرمی اعمال می‌شد که با توجه به رویکردها و اهداف متفاوت مکاتب، مجازات‌ها صورت می‌پذیرفته. در مکتب کلاسیک اهدافشان مکافات و سزادهی است و برایشان اهمیت ندارد که آن مجازات تأثیرگذار است و بازدارندگی دارد و یا خیر.

مکتب اثباتی برخلاف مکتب کلاسیک به اختیار و اراده آزاد فرد معتقد بودند. در مکتب اثباتی فرد مجبور به ارتکاب جرم است لومبروزو این جبر را یک جبر زیستی می‌دانست و براساس طبقه‌بندی‌هایی که برای مجرمین و جرم‌ها انجام داد یک طبقه را اختصاص داده بود به این که یک سری افراد مادرزاد مجرم هستند و اصلاح‌پذیر نیستند و بایستی از جامعه طرد شوند اما انریکوفری معتقد به جبر زیستی نبود و در خصوص جبر اجتماعی معتقد بود که خیلی اوقات جبر اجتماعی افراد را مجبور به ارتکاب جرم می‌کند و این گونه افراد اصلاح‌پذیر نیستند.

در مکتب نئوکلاسیک مارک آنسل به اصلاح و درمان اعتقاد داشت که الان هم به عنوان یک مکتب حاکم مطرح است البته اخیراً مکاتبی هم هستند که به اصلاح و درمان هم اعتقاد ندارند مثلاً در آمریکا سیاستی حاکم است که با کوچکترین تخلفی باید برخورد شود.

در دفاع اجتماعی برای افراد، اراده آزاد قائل بودند ولی معتقدند که این اراده یک اراده فلسفی نیست بلکه باید شرایط روحی، روانی و محیطی فرد هم لحاظ شود و تخفیف مجازات یا فردی کردن مجازات در این دوران بوده است که همه افراد به یک شکل مجازات نشوند.

بنابراین تقریباً همه کشورها مواجهه با جرم را از طریق کیفر انجام می‌دهند اما در اهداف متفاوتند و اهداف رویکرد کیفری عبارتند از: ۱- مکافات و سزادهی ۲- بازدارندگی ۳- اصلاح و درمان مجرمین

ب) رویکرد پیشگیرانه

معنی لغوی و مفهوم اصطلاحی پیشگیری

واژه پیشگیری در مفهوم متداول آن در معانی «پیش‌دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی شتافتن» و همچنین «آگاه کردن، از چیزی خبر دادن و هشدار دادن» است. اما در جرم‌شناسی پیشگیرانه، پیشگیری در معنی اول آن مورد استفاده واقع می‌شود؛ یعنی با کاربرد فنون و تدابیر مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزهکاری، به جلوی آن شتافتن و پیشی گرفتن از بزهکاری است.^۱

بینش‌های حاکم بر پیشگیری^۲

در مفهوم پیشگیری و مصداق‌های آن دو جهت‌گیری کلی دیده می‌شود. برخی از جرم‌شناسان مفهوم وسیعی برای پیشگیری قائل شده و گروهی دیگر پیشگیری را در مفهومی محدود و مضیق به کار می‌برند. هر یک از این دو را به طور مختصر توضیح می‌دهیم:

الف: بینش و تعریف موسع (عام و وسیع)

انجام هر اقدامی که علیه جرم بوده و آن را کاهش دهد، پیشگیری محسوب می‌شود. براساس این برداشت انواع تدابیر کیفری و غیرکیفری چه مربوط به قبل و چه مربوط به بعد از وقوع جرم، پیشگیری محسوب می‌شوند. به همین دلیل در این تعبیر، حتی تعقیب و دستگیری بزهکاران، اعمال مجازات و یا تعلیق اجرای آن، الزام آنان به

^۱ . معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، راهنمای کارگاه علمی کاربردی، بهار ۱۳۹۱، ص ۲۱

^۲ . پیشین، صص ۲۱ و ۲۲

جبران خسارت مجنی علیه و فردی کردن مجازات توسط قاضی نیز، پیشگیری به شمار می‌آیند. لذا این مفهوم طیف وسیعی از اقدامات کیفری و غیرکیفری را دربر می‌گیرد.

این بینش ابتدا در تفکرات انریکو فری بوده و در ضمن شرمین نیز این بینش را این‌گونه تعریف کرده است: «هر رویدادی که اعمال شود و نتیجه آن نشان بدهد که از نرخ بزهکاری کاسته شده است، آن رویه را می‌توان پیشگیرانه دانست.»

ب: بینش و تعریف مُضِیق (ضیق و محدود)

در این بینش، پیشگیری به مجموعه وسایل و ابزارهایی اطلاق می‌شود که جامعه برای مهار بهتر بزهکاری از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا و یا از طریق اعمال مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیط فیزیکی و محیط اجتماعی موجب فرصت‌های جرم، مورد استفاده قرار می‌دهد. به عبارتی دیگر، در این رویکرد، پیشگیری از کیفر جدا شده است و صرفاً ناظر به تدابیر و اقدامات غیرقهرآمیز است و خصائص پیشگیری در این دیدگاه عبارتست از:

✓ هدف اصلی آن اثرگذاری بر علل و عوامل مؤثر بر پیدایش بزهکاری باشد.

✓ جنبه جمعی داشته باشد، چراکه اقدامات فردی در بحث اصلاح و درمان مطرح بوده و جایی در مقوله پیشگیری نخواهد داشت.

✓ این اقدامات باید غیرقهرآمیز و غیرکیفری باشند.

که با توجه به تعریف پیشگیری در لایحه «پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن»، قانونگذار دیدگاه موسع را مدنظر داشته چون اگر مضیق بود قانونگذار می‌بایست تصریح می‌کرد و همین‌طور در تعریف پیشگیری از وقوع جرم عبارت ارزیابی خطر وقوع جرم مربوط به قبل، حین و بعد از جرم است و می‌توان به عبارت «اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم جهت از بین بردن و یا کاهش آن» اشاره نمود که نشان دهنده دیدگاه موسع قانونگذار می‌باشد.

دیدگاه مطلوب این است که رویکرد بینابین را لحاظ کنیم. پیشگیری کیفری در حد ضرورت و پیشگیری غیرکیفری در حد ممکن.

کسانی که معتقد به پیشگیری غیرکیفری و واکنشی هستند در برهه‌ای از زمان مباحث اصلاح و درمان در کشورشان انجام شده ولی در ایران نوپاست و بایستی پیشگیری موسع را مدنظر قرار داده از تجربه‌های سایر کشورها استفاده کرد و مهم‌تر از آن با توجه به بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی که وظیفه پیشگیری را به قوه قضاییه داده قوه‌ای که وظیفه اصلی‌اش احیای حق، رفع خصومات، پاسداری از هنجارهای جامعه است یک پتانسیل خوبی است که هم پیشگیری از جرم و هم پیشگیری از تکرار آن مدنظر قرار گیرد.

ضرورت پیشگیری

با توجه به مکاتب مختلف و اهداف آنها و اعمال کیفرها آمار جرایم نه تنها کاسته نشده بلکه روز به روز بر آمار جرایم افزوده می‌شود، رویکرد پیشگیری را سیاستگذاران کیفری و یا جنایی کشورهای مختلف در اولویت کارهای خودشان قرار دادند به همین دلیل پیشگیری را اصالتاً و بی‌واسطه مورد توجه قرار دادند نه اینکه ممکن است مجازاتی پیشگیری را هم به عنوان خروجی داشته باشد بلکه خود پیشگیری را اصالتاً مدنظر قرار دادند و ساختارهایی را بر آن طراحی کردند و اقدامات اختصاصی در راستای پیشگیری از وقوع جرم انجام دادند.

به هر حال آنچه که ضرورت پیشگیری را می‌رساند و سبب شده که رویکردهای پیشگیرانه به جای سزاگرایانه مدنظر سیاستگذاران قرار گیرد دلایل متفاوتی می‌تواند داشته باشد که عبارتند از:

۱. نرخ فزاینده جرائم } رشد نرخ جرم
پیدایش جرائم جدید

نرخ فزاینده جرایم، که آمار جرم نه تنها کم نشده بلکه در حال افزایش می‌باشد و حتی یک سری جرایم جدیدی نیز شکل گرفتند.

۲. هزینه‌های وارده بر نظام عدالت کیفری } مستقیم و غیرمستقیم
مادی و معنوی

هزینه‌های زیاده وارده بر نظام عدالت کیفری از قبیل پلیس، دادگاه‌ها، سازمان زندان‌ها که از کشف تا اجرای احکام را شامل می‌شود که علاوه بر این برای بزه‌دیدگان جرایم و جامعه نیز هزینه‌هایی را دربر دارد به خصوص در بحث زندان که وارد شوی فضای محدود زندان‌ها و وضعیت نابسامان خانواده‌های زندانی‌ها و یا حتی آموزش

جرایم در زندان‌ها توسط زندانیان به یکدیگر و حتی برچسب ننگ برای زندانی و خانواده او نیز مشکلاتی را به همراه دارد لذا زندان بایستی آخرین درمان باشد.

بنابراین بایستی برخوردهای سزاگرایانه کمتر و تدابیر و اقدامات پیشگیرانه بیشتر مدنظر متولیان قرار گیرد تا از هزینه‌های فراوانی که بر نظام وارد می‌شود کاسته شود بنابراین صرف مجازات کافی نیست.

انواع پیشگیری^۱

جرم‌شناسان دسته‌بندی‌های متعددی برای پیشگیری از جرم ارائه داده‌اند. در این قسمت از بحث، به سه تقسیم‌بندی اشاره می‌کنیم. تقسیم‌بندی اول بر اساس «تقدم و تأخر ظهور» انواع پیشگیری و تقسیم‌بندی دوم بر اساس «ماهیت اقدامات پیشگیرانه» است و تقسیم‌بندی سوم نسخه‌ای «بومی شده و منطبق با ساختار پیشگیری از وقوع جرم در قوه قضائیه» کشورمان است. جرم‌شناسان انواع پیشگیری را از حیث تاریخ ظهور آنها به دو دسته عمده تقسیم می‌کنند؛ دسته اول «پیشگیری سنتی یا متداول» و دسته دوم «پیشگیری جدید» نامیده می‌شود.

الف: پیشگیری‌های متداول

این نوع از پیشگیری خود به چهار دسته‌بندی فرعی قابل تقسیم است. «پیشگیری از بزهکاری اطفال و پیشگیری از بزهکاری عمومی»، «پیشگیری عمومی و پیشگیری اختصاصی»، «پیشگیری انفعالی و پیشگیری فعال» و بالاخره «پیشگیری اولیه، پیشگیری ثانویه و پیشگیری ثالث»،

پیشگیری از بزهکاری اطفال و پیشگیری از بزهکاری عمومی

قدیمی‌ترین نوع پیشگیری، پیشگیری از بزهکاری اطفال و پیشگیری از بزهکاری عمومی است. در این تقسیم‌بندی، سیاست پیشگیرانه افتراقی میان اطفال و نوجوانان بزهکار و بزهکاران بزرگسال اعمال می‌شود. بدین معنی که چون شخصیت کودکان و نوجوانان در حال شکل‌گیری و تثبیت است، در مورد آنان از تدابیر پیشگیرانه پرورشی و اصلاحی استفاده می‌شود، در حالی که در مورد بزرگسالان، تدابیر پیشگیرانه تنبیهی و ارعایی اعمال می‌شود. امروزه نیز این طرز تفکر وجود دارد و در بیشتر کشورها سعی می‌کنند که سرمایه‌گذاری در امر پیشگیری را

^۱ . معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، راهنمای کارگاه علمی کاربردی، بهار صص ۲۳-۲۵

بیشتر به اطفال و نوجوانان بزهکار یا در معرض خطر بزهکاری اختصاص دهند که انعطاف بیشتری دارند و از بزهکاران بزرگسال قابل اصلاح‌تر هستند (معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه).

پیشگیری عمومی و پیشگیری اختصاصی

در پیشگیری عمومی، کلیه عوامل جرم‌زای مربوط به جرائم مختلف، هدف تدابیر پیشگیرانه قرار می‌گیرند؛ مانند «افزایش سطح رفاه عمومی و توسعه اجتماعی» که در پیشگیری طیف وسیعی از جرائم تأثیرگذار است. در حالی که در پیشگیری اختصاصی، عوامل خطر مربوط به جرم خاص در دایره شمول اقدامات پیشگیرانه واقع می‌شود، مانند تقویت قفل و بست منازل که در پیشگیری و کاهش جرم سرقت از منازل مؤثر است؛ یا نصب دزدگیر روی خودروها که از راهکارهای پیشگیری از سرقت خودرو محسوب می‌شود.

پیشگیری انفعالی^۱ و پیشگیری فعال^۲

این تقسیم‌بندی برای نخستین بار در اجلاس مجمع عمومی اینترپل در سال ۱۹۶۳ مطرح و وارد ادبیات پیشگیری شد. پیشگیری انفعالی مجموعه اقدامات و تدابیری را دربر می‌گیرد که بیشتر جنبه دفاعی و پدافندی در برابر بزهکاری دارند. در این نوع از پیشگیری ابتکار عمل در دست بزهکاران است و کیفیت و نوع اقدامات پیشگیرانه بستگی به اقدام بزهکاران دارد. مانند اخطارهای مربوط به جرم که معمولاً به صورت هشدارهای پلیسی به آماج بالقوه جرم داده می‌شود تا بتوانند در صورت قرار گرفتن در معرض حمله مجرمانه، از جرم پیشگیری کرده یا اثرات آن را کاهش دهند.

برعکس، در پیشگیری فعال، مراجع پیشگیری ابتکار عمل را در دست داشته و به نحوی کاملاً فعالانه به پیشگیری از جرم می‌پردازند. در اینجا به ذکر دو نمونه، شامل برنامه‌ریزی در جهت غنی‌سازی اوقات فراغت کودکان و نوجوانان در معرض خطر بزهکاری و یا تشکیل مشارکت‌های فعال در زمینه پیشگیری از جرم در سطح محله‌ها، بسنده می‌نماییم. شاید بتوان گفت که پیشگیری انفعالی نوعاً بزه‌دیده‌مدار و پیشگیری فعال بزهکار مدار است.

^۱ Re- active prevention

^۲Active prevention

پیشگیری اولیه^۱، پیشگیری ثانویه^۲ و پیشگیری ثالث^۳

این تقسیم‌بندی، از علم پزشکی وارد جرم‌شناسی شده است. در علم پزشکی پیشگیری از بیماری‌ها به سه سطح تقسیم می‌شود؛ سطح اول اختصاص به تمامی افراد جامعه دارد، سطح دوم به افراد در معرض خطر بیماری اختصاص دارد و سطح سوم به واگیری مجدد بیماران درمان شده و مصون سازی آنها در مقابل ابتلای مجدد، مربوط می‌شود.

بر همین اساس، هدف پیشگیری اولیه، کل جامعه است. این نوع از پیشگیری تلاش دارد تا کل جامعه را در مقابل خطر بزهکاری و بزه‌دیدگی تقویت کند. اقدامات مربوط به اصلاح شرایط محیط اجتماعی و محیط فیزیکی از اصلی‌ترین تدابیر پیشگیری اولیه به شمار می‌روند.

پیشگیری ثانویه، مجموعه تدابیر و اقداماتی است که در مورد بزهکاران و بزه‌دیدگان بالقوه یعنی کسانی اعمال می‌شود که وضعیت خاص آنان، آنها را بیشتر از سایرین در معرض خطر بزهکاری یا بزه‌دیدگی قرار می‌دهد؛ مانند تدابیر پیشگیرانه مربوط به کودکان مدرسه‌گریز یا افزایش سطح بهره‌مندی اقشار محروم و آسیب‌پذیر. در این نوع از پیشگیری شناخت عوامل خطر ساز جرم اهمیت فراوانی دارد.

اما پیشگیری ثالث به مجموعه تدابیر و اقداماتی اطلاق می‌شود که برای جلوگیری از تکرار بزهکاری یا بزه‌دیدگی در مورد بزهکاران یا بزه‌دیدگان سابق اعمال می‌شود. تدابیر پیشگیرانه مربوط به بازتوانی بزهکاران یا اشتغال و ساماندهی آنان در جامعه و همچنین اقدامات پیشگیرانه مربوط به پیشگیری از تکرار بزه‌دیدگی در جرم سرقت یا خشونت‌های خانوادگی، از نمونه‌های قابل ذکر در این مقوله می‌باشند.

ب: پیشگیری‌های جدید

این دسته از پیشگیری‌ها (همچنان که از نام آنها پیداست)، در دو – سه دهه اخیر وارد ادبیات جرم‌شناسی شده است. البته این سخن به آن معنی نیست که قبلاً چنین تدابیر و سیاست‌هایی وجود نداشته است، بلکه این تدابیر پراکنده دسته‌بندی را شامل می‌شوند؛ دسته اول «پیشگیری اجتماعی و وضعی» و دسته دوم «پیشگیری دفاعی و پیشگیری آزادی‌بخش» می‌باشد. به دلیل اهمیت در اینجا به تشریح نوع اول بسنده می‌کنیم.

^۱ Primary prevention

^۲ Second prevention

^۳ Third prevention

۱. پیشگیری اجتماعی:

• این دسته‌بندی در حال حاضر رایج‌ترین دسته‌بندی از اقدامات پیشگیرانه به شمار می‌رود. پیشگیری اجتماعی سعی دارد که علل و عوامل اجتماعی خطرزای بزهکاری و بزه‌دیدگی را مورد هدف‌گیری قرار دهد. در این نوع از پیشگیری تدابیر و اقداماتی اتخاذ می‌شود که سبب ایجاد تغییر و اصلاحات در فرد و جامعه شده و در نهایت سبب جلوگیری از بروز جرائم به صورت پایدار و همیشگی شود و هدف هماهنگ کردن افراد با هنجارهای جامعه می‌باشد.

پیشگیری اجتماعی خود به دو دسته تقسیم می‌شود:

رشد مدار:

پیشگیری رشد مدار یکی از اشکال پیشگیری اجتماعی محسوب می‌شود. پیشگیری رشد مدار، بدنبال بهبود وضعیت اطفال است؛ بخصوص اطفالی که در معرض خطر به بزهکاری قرار دارند. این گونه از پیشگیری، بزهکاری را نه یک واقعه، بلکه یک فرآیند می‌داند که زمینه‌های آن در دوران رشد فرد یعنی از لحظه تشکیل نطفه تا بزرگسالی (جووانی) بروز پیدا می‌کند. این رویکرد بر این فرض مبتنی است که داشتن شخصیت متعادل، هم‌نوا شدن با ارزشها و هنجارها پذیرفته شده در جامعه و رشد و جامعه‌پذیری صحیح منوط به گذران طبیعی دوران رشد است و هر گونه انحراف و اختلال در نهادهایی که در رشد، جامعه‌پذیری و کنترل کودک یا نوجوان مؤثر هستند وی را در معرض خطراتی قرار می‌دهد که ممکن است او را به سمت دنیای بزهکاری بکشاند.

بنابراین، پیشگیری رشد مدار با شناسایی عوامل خطر در محیط‌های جامعه‌پذیری نخستین اطفال و نوجوانان که عبارتند از: خانواده، مدرسه، گروه همسالان و رسانه‌ها سعی در احیای اوضاعی که از لحظه شکل‌گیری جنین تا شکل‌گیری کامل شخصیت طفل مفقود بوده و عاملی برای بزهکاری محسوب می‌شوند، توسط عوامل حمایتی دارد. در واقع پیشگیری رشد مدار بر این فرض مبتنی است که وجود اختلال در نهادهای جامعه‌پذیری که اطفال و نوجوانان در آن قرار می‌گیرند به شدت کودک را در معرض بزهکاری در آینده قرار می‌دهد. به همین جهت این گونه از پیشگیری تمرکز خود را بر این نکته قرار داده که با شناسایی عوامل خطر و به‌کارگیری ساز و کارهای حمایتی مناسب در محیط‌های جامعه‌پذیرسازی انسان، کودکان و نوجوانان در معرض خطر را به سوی هم‌نواایی با

قواعد اجتماعی سوق دهد و از احتمال وارد شدن فرد در رفتارهای مجرمانه جلوگیری کرده و در نهایت جامعه‌ی سالم و امن برای افراد جامعه فراهم سازد.

بدین سان، پیشگیری رشد مدار با استفاده از نهادهای جامعه پذیر کننده، تقویت ساز و کارهای خود کنترلی، برنامه های حمایتی فرد مدار، خانواده مدار، مدرسه مدار، گروه همسالان و رسانه ها از رهگذر ایجاد تعادل شخصیتی، توانمند سازی یا نظارت بر خانواده ها، آموزش و تربیت کودکان، خانواده ها، آموزگاران و مسئولان مدرسه ها، استفاده از خیصصه های مطلوب رسانه ها و ... سعی در ایجاد مانع برای پایداری بزهکاری در کودکان و نوجوانانی که در معرض خطر قرار دارند، دارد.

جامعه‌مدار:

پیشگیری جامعه‌مدار، کاهش یا از بین بردن عوامل جرم زای محیط اجتماعی و عمومی با اتخاذ تدابیر و اقدامات مناسب است که عموم مردم را شامل می‌شود. این نوع پیشگیری معمولاً از راه اعمال سیاست‌های کلان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی حکومت اجرا می‌شود و ممکن است شامل همه اقشار جامعه و یا قشر خاصی از آنها شود.

برخی راهبردهای پیشگیری اجتماعی:

- توسعه دانش و ترویج فرهنگ پیشگیری و ارتقای آگاهی‌های عمومی
- تقویت نهادهای اجتماعی و استفاده از ظرفیت آنان در راستای پیشگیری
- توسعه مشاوره و آموزش مهارت‌های اساسی زندگی

البته در اکثر متون غربی از این نوع پیشگیری با عنوان «پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی» نام برده شده است، اما محدود نمودن پیشگیری اجتماعی به پیشگیری از طریق توسعه اجتماعی صحیح نیست، زیرا توسعه اجتماعی تنها بخشی از راهبردهای پیشگیری اجتماعی است و نامیدن این دسته از پیشگیری با این نام، جامعیت لازم را از آن سلب می‌کند. پیشگیری اجتماعی در واقع اقدامات مداخله‌ای در محیط عمومی، شخصی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را شامل می‌شود.

۲. پیشگیری وضعی^۱:

پیشگیری وضعی با درنظر گرفتن این واقعیت توسعه پیدا کرده است که علی‌رغم به کار بستن تدابیر مختلف پیشگیری اجتماعی، باز هم شاهد بزهکاری و بزه‌دیدگی هستیم و عملاً حذف بزهکاری غیرممکن است. پیشگیری وضعی با درنظر گرفتن وضعیت پیش از بزهکاری (متصل به بزهکاری)، درصدد تغییر وضعیت ماقبل جرم و تبدیل معادله جرم به ضرر مجرم است. در واقع این نوع پیشگیری درصدد است تا هزینه ارتکاب جرم را بالا ببرد تا مرتکب را از انجام عمل مجرمانه منصرف سازد. پیشگیری وضعی نوعی از پیشگیری غیرکیفری یا کنشی است که تأکید بر پیشگیری وضعی و موقعیت‌مدار (زمان و مکان وقوع جرم) دارد؛ به گونه‌ای که ارتکاب جرم برای بزهکار سخت‌تر می‌شود، یا فرصت ارتکاب جرم از وی گرفته می‌شود و یا خطر شناسایی و دستگیری وی را افزایش می‌دهد. موارد زیر از نمونه‌های بارز پیشگیری‌های وضعی هستند: نصب دوربین‌های مدار بسته، نصب نرده، نصب قفل فرمان یا پدال، نصب دزدگیر، تبدیل به پارک و فضای سبز کردن یا روشن کردن فضاهای متروک یا مخروبه محلات، استفاده از گاوصندوق‌های رمزدار، نصب سرعت‌گیر برای جلوگیری از سرعت غیرمجاز، استفاده از رمز عبور برای استفاده از فضاهای مجازی یا رایانه‌ای و ... ؛

تکنیک‌های پیشگیری وضعی از جرم:

پنج تکنیک شناخته شده برای پیشگیری وضعی به قرار زیر هستند. منظور از تکنیک، راهبرهای مؤثر اجرایی این نوع پیشگیری است.

الف- تکنیک‌های مبتنی بر افزایش تلاش و زحمت ارتکاب جرم

این تکنیک با هدف هزینه‌بر کردن ارتکاب جرم در صدد تحقق یکی از اهداف زیر است:

- سخت کردن آماج جرم
- کنترل دسترسی به آماج جرم
- غربال خروجی‌ها
- منحرف کردن بزهکاران از آماج جرم
- کنترل وسایل تسهیل‌کننده ی جرم

^۱ situational crime prevention

ب- تکنیک‌های مبتنی بر افزایش خطرات قابل پیش بینی جرم

یکی دیگر از شیوه‌های منصرف کردن بزهکاران از ارتکاب جرم، افزایش خطرات ملموس ارتکاب جرم است. هر قدر که خطر مترتب بر ارتکاب جرم بیشتر باشد، افراد کمتری رغبت به ارتکاب جرم خواهند داشت. این دسته از تدابیر پیشگیرانه نیز پنج تکنیک زیر را در بر می‌گیرند:

- توسعه محافظت
- کمک به نظارت طبیعی
- کاهش گمنامی
- استفاده از مدیران محلی در پیشگیری
- تقویت نظارت رسمی

ج- تکنیک‌های مبتنی بر کاهش منافع قابل پیش بینی جرم

این دسته از تکنیک‌ها نیز مبتنی بر نظریه انتخاب عقلانی و همچنین نظریه اقتصادی جرم هستند. مطابق نظریه‌های مذکور، فرد بزهکار با سنجش میزان سود و زیان حاصله، ارتکاب جرم را زمانی برخواهد گزید که از نظر وی منافع حاصل از جرم ارزشمندتر از مضار و خطرات ناشی از ارتکاب آن باشد. پنج تکنیک در زیر مجموعه این دسته قرار می‌گیرند که عبارتند از:

- نهان کردن آماج جرم
- از دسترس خارج کردن آماج جرم
- مشخص کردن اموال
- بر هم زدن بازارهای غیر قانونی
- از بین بردن سود

د- تکنیک‌های مبتنی بر کاهش تحریک بزهکاران

از آنجا که تعمیم نظریه اقتصادی و انتخاب معقول در مورد جرائم آنی قابل ایراد به نظر می‌رسید و از سوی دیگر در این دسته از جرائم، تحریک آنی جایگزین تعقل و حسابگری می‌شود، علیهذا پیرو انتقادات وارده به عدم جامعیت تکنیک‌های پیشگیری ارائه شده توسط فلسون و کلارک، دسته چهارم تکنیک‌های پیشگیری

وضعی تحت عنوان کاهش تحریک ارائه شد . این تکنیک‌ها تلاش دارند با حذف و یا کاهش اقدامات تحریک کننده، از انگیزش بزهکاران بالقوه جلوگیری و به این ترتیب وقوع جرائم آنی را منتفی کنند. در زیرمجموعه این دسته از تدابیر، تکنیک های زیر قرار دارند:

- کاهش ناکامی و فشار
- اجتناب از ستیزه
- کاهش تحریک هیجانی
- خنثی کردن فشار روانی
- نهی از تقلید

ه- تکنیک‌های مبتنی بر حذف بهانه‌ها

از نظر کلارک آخرین گروه از تکنیک‌های پیشگیری وضعی از جرم، از بین بردن بهانه‌ها است . این بهانه‌ها در تکوین فرآیند تصمیم‌گیری و گذار مرتکب از مرحله تصمیم به عمل نقش مهمی دارند . در این دسته نیز پنج تکنیک اصلی وجود دارند که عبارتند از:

- وضع قواعد
- راهنمایی قبلی
- تحریک وجدان
- کمک به هماهنگی
- کنترل مواد مخدر- الکل

چالش‌های پیشگیری وضعی

از مهمترین چالش‌های این نوع پیشگیری، علیرغم زودبازده بودن راهبردهای آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف: ابزار محوری به جای انسان محوری

به نظر می‌رسد که پیشگیری اجتماعی با پرداختن به علل و عوامل و ریشه‌های جرم، به بزه‌کاران و بزه‌دیدگان توجه ویژه دارد . در واقع پیشگیری اجتماعی با پرداختن به نیازهای بزه‌کاران بالقوه به دنبال رشد و اقناع و تکامل

خصوصیات مثبت و روح خویشتن داری در آنان است . در پیشگیری اجتماعی نسبت به وضعیت و سرنوشت بزهکار، بین بزه‌کار بالقوه و بزهکار بالفعل تفاوت نیست و به دنبال شکل‌گیری یک بازی برنده - برنده جامعه است در حالی که پیشگیری وضعی به دنبال خشکاندن ریشه‌های جرم در درون بزهکاران بالقوه نیست و تلاش برای اصلاح دائمی آنان را نیز در دستور کار خود ندارد و صرفاً به دنبال ایجاد مانع در مسیر اجرای جرم است به همین دلیل به نظر می‌رسد که پیشگیری اجتماعی انسانی‌تر و بشردوستانه‌تر از پیشگیری وضعی است.

ب: مقطعی و موقتی بودن آثار پیشگیرانه

عملکرد پیشگیری وضعی اصولاً بازدارندگی از جرم از طریق ایجاد تزلزل در تصمیم‌گیری یا بروز انحراف یا انصراف در مسیر گذار اندیشه مجرمانه به عمل است و نوعاً تاثیری موقتی دارد و ناظر به وضعیت و موقعیتی معین است و هیچگاه تحولی عمیق در اندیشه شخص بزه‌کار و تمایلات بزه‌کارانه وی ایجاد نمی‌کند و معلوم نیست که محرومیت موقت بزه‌کار بتواند الگوهای رفتاری وی را متحول سازد و طبعاً پس از برطرف شدن عوامل مانع جرم، فرد به دنبال عملی ساختن اندیشه مجرمانه خود باشد زیرا چیزی جایگزین تفکرات مجرمانه وی نشده بلکه این تمایلات بطور موقت سرکوب شده‌اند. در حالی که پیشگیری اجتماعی تاثیر بازدارنده پایدار و ماندگارتری دارد.

ج: تعارض با حقوق شهروندی

برخی معتقدند که گسترش اقدامات پیشگیری وضعی، شهرها و محله‌ها را به شکل دژهای مستحکم در می‌آورد. این کار ممکن است منجر به کاهش جرم شود لیکن بهایی که برای آن پرداخت می‌شود بسیار بالاست . حقوق شهروندی و حریم خصوصی به بهانه پیشگیری از جرم به شدت تحت کنترل حکومت‌ها قرار می‌گیرد . افزایش انواع نظارت‌های رسمی و دوربین‌های مداربسته و موانع مختلف فیزیکی، حق آزادی شهروندان را مدام محدودتر و محدودتر می‌کنند و به نظر می‌رسد که ضایعات افراط در اجرای این تدابیر چیزی کمتر از خسارات ناشی از جرم نباشد.

د: ایجاد ترس در جامعه

یکی دیگر از دغدغه‌های موجود در زمینه پیشگیری وضعی از جرم، افزایش ترس جامعه به دنبال آن اتخاذ تدابیر مختلف پیشگیری وضعی است. روزنامه و بیک من نیز در بررسی اولیه یکی از برنامه‌های پیشگیری از سرقت اماکن دریافتند که میزان ترس دریافت‌کنندگان خدمات پیشگیرانه با افزایش اقدامات کنترلی، افزایش یافته است. مداخله در محیط به قصد کاهش جرم به همان ترتیب که اخطار به مجرمین بالقوه محسوب می‌شود، ممکن است به سایر شهروندان نیز این پیام را القا کند که محیط زندگی آنان خطرناک است. افزایش اقدامات امنیتی آشکار موجب می‌شود تا شهروندان عادی به خاطر ترس از بزه‌دیدگی کمتر از منزل خارج شوند.

ه: گسترش بی‌عدالتی

مکانیسم‌های پیشگیری وضعی در بسیاری از موارد هزینه‌بر و مستلزم استفاده از تجهیزات گرانبها می‌باشند. بدیهی است که تأمین این هزینه‌ها از عهده همه اقشار جامعه ساخته نیست. در نتیجه، بزهکاران به سوی آماج جرم سهل‌الوصول‌تر که دسترسی به آنها راحت‌تر و خطر دستگیری و مجازات در مورد آنها کمتر است، رو بیاورند. این امر موجب خواهد شد که هزینه بزه‌دیدگی به اقشار خاصی از جامعه محدود شود. خود این حادثه موجب گسترش بی‌عدالتی در جامعه می‌شود. بعلاوه، اگر چه کلارک پیشگیری وضعی از جرم را به عنوان پدیده درخواستی از جامعه می‌داند، لیکن، برخی از تدابیر پیشگیری وضعی مانند نصب گسترده دوربین‌های مداربسته در اماکن عمومی نیازمند سرمایه‌گذاری کلان دولت در این زمینه است.

و: جابجایی جرم

اساسی‌ترین ایرادی که در مورد پیشگیری وضعی عنوان شده است، جابجایی جرم است. این نقیصه از ماهیت پیشگیری وضعی ناشی می‌شود زیرا پیشگیری وضعی به دنبال حذف ریشه‌ای پدیده بزهکاری نیست بلکه به دنبال ایجاد مانع در مسیر گذار اندیشه مجرمانه به عمل مجرمانه است.

۳. پیشگیری‌های حقوقی - قضایی^۱:

پیشگیری قضایی، یکی از انواع پیشگیری از جرم است که مبتنی بر تلاش دولت و نهادهای مسئول مانند قوه قضاییه و پلیس در زمینه کاهش جرایم و از میان بردن ریشه‌های آن می‌باشد. این سیاست پیشگیری از آن جهت در قالب پیشگیری قضایی بررسی می‌شود که دولت (دستگاه حاکم) به عنوان اولین نهاد در مقابل جرم و مجرم قرار می‌گیرد و از طریق اعمال قانون و سیاست‌های تقنینی در مقابل بزهکار، به اصلاح آنان می‌پردازد. مجموعه اقداماتی که در راستای کشف و تعقیب و رسیدگی و اجرای احکام قضایی صورت می‌گیرد. برخی از اندیشمندان در حوزه جرم‌شناسی، مجموعه روش‌های کیفری و سرکوب‌گر را که دولت با کمک آنها در مقابل جرم واکنش نشان می‌دهد، در قالب «سیاست جنایی» تعریف نموده‌اند. باید متذکر شد که برخی از وظایف قانونی مقامات قضایی مانند وظایف دادستان ناظر به پیشگیری از جرم به معنای خاص قبل از ارتکاب جرم نیز می‌باشد و لذا می‌توان گفت که پیشگیری‌های قضایی به قبل و بعد از ارتکاب جرم معطوف است.

مهمترین برنامه‌های پیشگیری‌های قضایی به قرار زیرند:

□ شیوه رسیدگی دادگاه‌ها، صدور احکام مؤثر و اجرای آنان.

□ مجازات‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی

□ تدوین و اصلاح قوانین و مقررات

□ اطلاع رسانی حقوقی

مهمترین راهبردها پیشگیری‌های حقوقی - قضایی:

- ارتقای آگاهی‌های حقوقی
- تسریع در رسیدگی، صدور و اجرای حکم و تقویت اثربخشی احکام
- اصلاح و تربیت و بازپروری مجرمان
- بهبود وضعیت زندان و اثربخشی کارایی آن
- ارتقای تأثیر پیشگیرانه‌ی قوانین و مقررات

^۱ . Judicial Prevention

ج: تقسیم‌بندی براساس ماهیت اقدامات پیشگیرانه^۱

دومین تقسیم‌بندی ارائه شده در زمینه پیشگیری از جرم، براساس ماهیت تدابیر پیشگیرانه شکل گرفته است. بر این اساس تدابیر پیشگیرانه را به «پیشگیری تنبیهی»، «پیشگیری اصلاحی»، «پیشگیری مکانیکی» و «پیشگیری علی» تقسیم می‌کنند.

پیشگیری تنبیهی^۲

بدون تردید، تهدید به مجازات، با تداعی احتمال مجازات، افراد را از ارتکاب جرم باز می‌دارد. البته نظرات متفاوتی در مورد «رویکرد تنبیه» که در طول قرن‌ها مورد استفاده بوده، ابراز شده است. در حالی که برخی از جرم‌شناسان استدلال می‌کنند که رویکرد تنبیهی ارزشی ندارد، گروهی دیگر معتقدند که تهدید به مجازات و القای این واقعیت که تهدید به مجازات عملی هم خواهد شد، هنوز یک عامل اصلی بازدارنده از جرم به شمار می‌رود. کانون پیشگیری تنبیهی را می‌توان پیشگیری از جرم از طریق سیستم عدالت کیفری نامید؛ هر چند که این پیشگیری ممکن است علاوه بر سیستم عدالت کیفری، از سایر نهادهای انتظامی، اداری و مدنی نیز بهره‌مند شود.

پیشگیری اصلاحی^۳

تأکید اصلی در این نوع از پیشگیری بر بهبود شرایط شخصی یا عمومی، به منظور کسب اطمینان از عدم تکرار بزه یا تقبیح رفتار مجرمانه توسط جامعه است. پیشگیری اصلاحی معمولاً از دو طریق صورت می‌گیرد:

الف- کار با اشخاصی که پس از ارتکاب جرم و کسب محکومیت به مؤسسات اصلاح و تربیت تحویل و یا در طیف تعلیق مراقبتی (بازتوانی) قرار گرفته‌اند.

ب- هشدار در مورد شرایط اجتماعی و محیطی که تصور می‌شود جرم در آن اوضاع رشد کند.

پیشگیری مکانیکی^۴

سیاست اصلی این پیشگیری قراردادن موانع مختلف در مسیر گذار از اندیشه مجرمانه به عمل مجرمانه (توسط بزهکار احتمالی) است، تا به این طریق ارتکاب جرم را دشوار سازد. پیشگیری مکانیکی از جرم، جدیدترین دسته از

^۱ معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، راهنمای کارگاه علمی کاربردی، بهار ۱۳۹۱، ص ۲۷

^۲ Punitive crime prevention

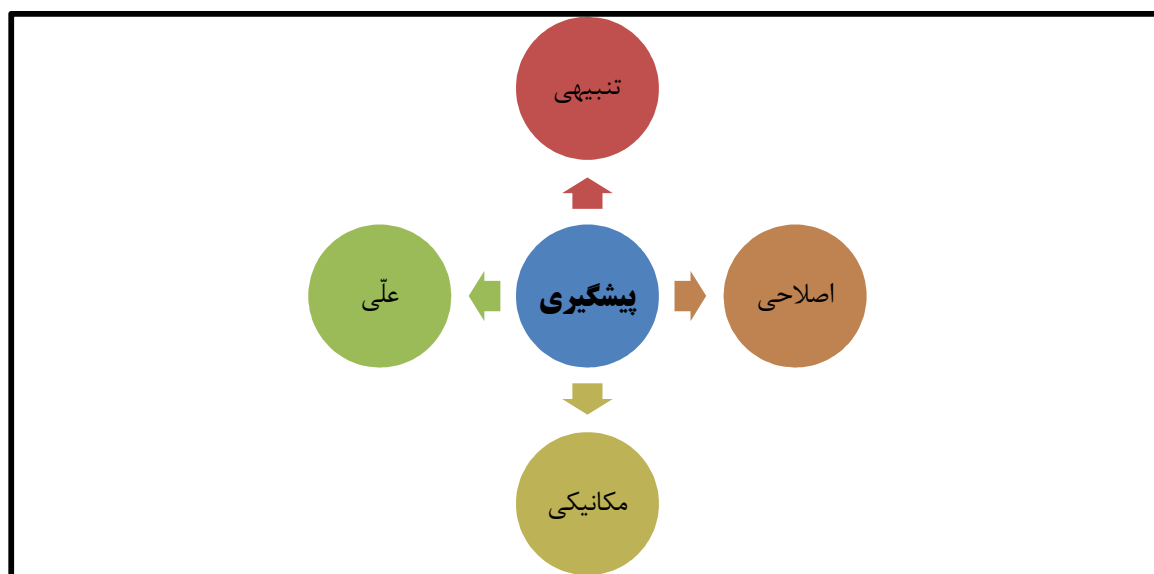
^۳ Corrective crime prevention

^۴ Mechanical Crime Prevention

پیشگیری از جرم است که در برخی از کشورها بر آن تأکید شده است. البته به نظر بسیاری از مردم، فرآیند مکانیکی افزایش امنیت از طریق قفل و بست، زنگ‌های اعلام سرقت و سایر تجهیزات، زیاد از حد ساده‌لوحانه به نظر می‌رسد. عامه مردم هنوز این ضرب‌المثل قدیمی را تأیید می‌کنند که «اگر دزد بخواهد وارد خانه‌ای شود، به هر نحو وارد خواهد شد». می‌توانیم آن بخش از پیشگیری مکانیکی را که با سخت‌افزارهای امنیت سروکار دارد، با عنوان «سخت کردن هدف»^۱ یاد کنیم.

پیشگیری علی^۲

این نوع از پیشگیری، که به آن پیشگیری علت مدار نیز گفته می‌شود، علل و عوامل خطرزای جرم را مورد هدف قرار می‌دهد. در وهله اول شاید بتوان این پیشگیری را با پیشگیری اجتماعی منطبق دانست لیکن با دقت بیشتر روشن می‌شود که این نوع پیشگیری بسیار جامع‌تر از پیشگیری اجتماعی است و مقابله با کلیه علل فردی و اجتماعی جرم را شامل می‌شود.



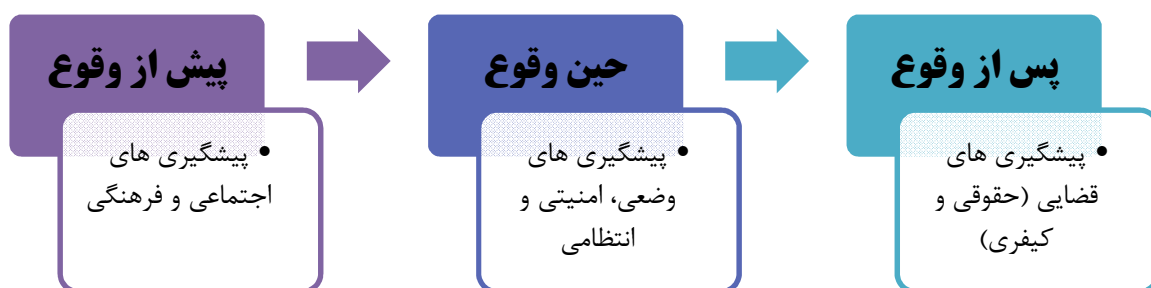
شکل شماره (۲)

^۱Target Hardening

^۲Causal Crime Prevention

د: تقسیم‌بندی براساس فرآیند وقوع جرم^۱

نوع سوم دسته‌بندی مبتنی بر فرایند مرحله‌ای وقوع جرم است. دسته نخست پیشگیری‌ها به علل و عوامل اولیه ارتکاب جرم اختصاص دارد و عمدتاً ماهیت فرهنگی و اجتماعی دارد. قسم دوم آن مربوط به مرحله ماقبل ارتکاب جرم است و ماهیت وضعی، امنیتی و انتظامی دارد. قسم سوم نیز اقدامات و تدابیر پیشگیرانه‌ای است که پس از ارتکاب جرم با هدف پیشگیری از تکرار جرم توسط مجرمانه و تنبه جامعه صورت می‌گیرد و عمدتاً ماهیت قضایی (حقوقی و کیفری) دارد. این دسته‌بندی عملیاتی‌تر و کاربردی‌تر است و بهتر می‌تواند مرزهای اقدامات پیشگیرانه را مشخص نماید.



شکل شماره (۳)

^۱ معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، راهنمای کارگاه علمی کاربردی، بهار ۱۳۹۱، ص ۳۰

بخش دوم: فرایند مدیریت پیشگیری از جرم

پیشگیری از جرم نوعاً از طریق راه حل‌های ثابت و کلیشه‌ای قابل دسترسی نیست بلکه، بیش‌تر به صورت اجرای اصول اساسی در مراحل مختلف یک فرآیند دیده می‌شود. در سال‌های اخیر نسخه‌هایی از اقدامات پیشگیرانه از قبیل مدل "سارا" ارائه شده‌اند که در پلیس مسئله محور کاربرد دارند. تدابیر منسجم پیشگیری متنوعند و برخی از آنها بیشتر نظری و علمی و برخی دیگر جنبه عملیاتی و کاربردی دارند. نگارنده بر همین اساس الگوهای موجود در زمینه فرایند پیشگیری از جرم را به دو دسته علمی و کاربردی تقسیم نموده و مورد بررسی قرار خواهد داد. لازم به ذکر است که ذکر عنوان "الگوی علمی" به معنی غیرعلمی بودن الگوی دیگر نیست و بر عکس نام نهادن "الگوی کاربردی" به الگوی دوم به معنی غیرکاربردی بودن الگوی دیگر نخواهد بود بلکه انتخاب این اوصاف صرفاً جهت سهولت در مطالعه است.

گفتار اول - الگوی علمی و نظری فرایند پیشگیری

در الگوهای علمی ارائه شده برای پیشگیری از جرم کم و بیش مراحل زیر دیده می‌شود:

- شناسایی مسئله جرم و هدف گذاری؛
- آسیب‌شناسی علل جرم؛
- انتخاب اقدامات ویژه و ارائه راه حل‌های عملیاتی و کاربردی؛
- اجرا راه کارهای پیشگیرانه؛
- ارزیابی و تعدیل نتایج اجرای برنامه.

اینک هر یک از این مراحل را به اختصار توضیح می‌دهیم:

مرحله اول - شناسایی مسئله جرم و تعیین اهداف کاهش جرم

نخستین مرحله از فرآیند پیشگیری، مسئله یابی و به بیان دیگر، تعیین الگوی خطر جرم است. این کار از طریق تجزیه و تحلیل الگوی جرم یا هدف گیری بزهکاران، صورت می‌گیرد. در تجزیه و تحلیل هر جرمی سه مقوله متفاوت بررسی می‌شود. این مقوله‌ها عبارتند از:

- مطالعه فضای جغرافیایی بزه مورد نظر؛
- تحلیل ساختار جرم و مباشران و بزه‌دیدگان آن؛

- تحول در نوسانات جرم مذکور در دوره زمانی معین .

برخی از جرم‌شناسان کشورمان فرایند پیشگیری را در هفت مرحله و به ترتیب زیر برشمرده‌اند:

۱- تحلیل حجم و ویژگی‌های وضعیت بزهکاری؛

۲- انتخاب آماج پیشگیری؛

۳- تعیین نظریه جرم‌شناختی مبنای طرح پیشگیری؛

۴- تعیین اهداف پیشگیری؛

۵- انتخاب نوع پیشگیری؛

۶- تعیین مقام و مرجع صالح برای پیشگیری

۷- ارزیابی عملی پیشگیری.

مرحله دوم - آسیب شناسی علل جرم

دومین مرحله از فرآیند پیشگیری، تعیین علل جرم است. برای شناسایی علل جرم از نظریات جرم‌شناختی استفاده می‌کنیم. علل جرم را می‌توانیم به علل بلاواسطه و علل بعید تقسیم کرد. به موجب نظریه تقارن فرصت مجرمانه بی‌واسطه‌ای است که جمع شدن آنها در کنار یکدیگر موجب وقوع آن می‌شود. در تحقق انواع جرائم، یک بزهکار آماده، انگیزه‌مند و توانا از طریق دسترسی به یک هدف آسیب‌پذیر و جذاب برای جرم، در یک محیط مساعد و در غیاب پیشگیران انگیزه‌مند و لایق، به دنبال یافتن یا ایجاد موقعیت مجرمانه است. علل بعید جرم متعدد هستند و بسیاری از علل فردی و اجتماعی و محیطی را در بر می‌گیرد، لیکن این دسته از علل، از طریق علل قریب جرم عمل می‌کنند.

مرحله سوم - انتخاب اقدامات ویژه و ارائه راه حل‌های عملیاتی کاربردی

برنامه‌ریزان پیشگیری مجبورند با آسیب شناسی علل جرم، شیوه و زمان مناسب برای مداخله‌های پیشگیرانه را انتخاب کنند. اقدامات پیشگیرانه موجب از هم گسیختگی تقارن فرصت جرم شده و خطر حدوث وقایع مجرمانه را کاهش می‌دهند و در صورتی که همه چیز به خوبی پیش برود شمار وقایع مجرمانه، تقلیل خواهد یافت. تدابیر پیشگیرانه باید برای مسائل و زمینه‌های خاص محلی تهیه و بومی سازی شوند و می‌توانند از میان انواع خاص پیشگیری یا تلفیقی از آنها انتخاب شوند برخی اندیش‌مندان تدابیر پیشگیرانه را نیز همانند عوامل مستقیم جرم به ۱۱ دسته تقسیم کرده و نهایی این تدابیر، ممانعت، تضعیف یا حتی در صورت لزوم،

انحراف مسیر وقوع جرم دانسته اند (همانند طرح های اوان کودکی). اقدامات راهبردی تر ممکن است همان علل را از مسیری سازمان یافته تر مورد هدف قرار دهند مثلاً با دشوار ساختن امرار معاش از طریق بزهکاری و افزایش زحمت لازم ارتکاب . به عنوان نمونه‌هایی از اقدامات راهبردی در این بخش، می‌توان به تلاش برای کاهش شمار اشخاص و اموالی اشاره کرد که بزهکاران لزوماً به سوء استفاده از آنها کشیده می‌شوند به عنوان مثال انبار تراشه های رایانه‌ای، جوهری که بطور روزمره در مسیرهای آسیب پذیر جابجا می‌شوند. برخی مسائل تکراری یا دراز مدت جرم (مانند خشونت‌های خانوادگی یا ناهنجاری‌های پایدار) نیز مستلزم تجزیه و تحلیل و اقدام در سطحی بالاتر از نگرش موردی به جرمی معین است اعم از اینکه این مداخلات در سطحی راهبردی یا تاکتیکی اعمال شوند، اصول یا مکانیسم‌های مداخلات می‌توانند متناسب با علل و در چارچوب نظریه تف‌ارن فرصت جرم، توضیح داده شوند.

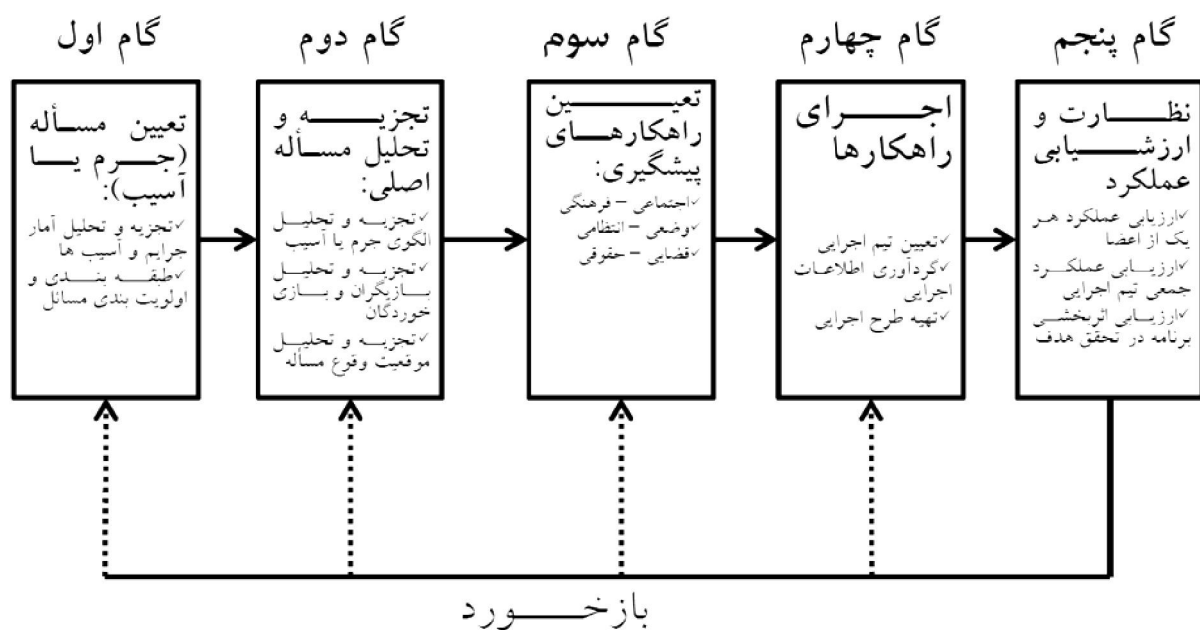
مرحله چهارم – اجرای تدابیر پیشگیری

اجرای پیشگیری شامل هدف‌گذاری و انجام برنامه است. یعنی انجام اقدامات مناسب در خصوص علل جرم به روشی کارآمد، اثربخش، پایدار و قابل قبول که نیازهای معین و اولویت‌دار بزه‌دیدگان و جامعه را مورد هدف قرار دهد. پیشگیری کنندگان رسمی یا اداری از جرم مانند فرمانداری‌ها و نمایندگان آنها و شرکای محلی به تنهایی نمی‌توانند به وظیفه خود عمل کنند بلکه باید با بسیج سایر موسسه‌های عمومی یا خصوصی و شهروندان عادی علاقمند به ایفای نقش‌های ویژه در کاهش جرم، اقدام کنند. این نقش‌ها می‌توانند مداخلات مستقیم در علل جرم یا تسهیل مداخلات سایرین (از طریق انگیزش و توانا ساختن آنها یا کم کردن محدودیت‌ها) را شامل شوند .

مرحله پنجم – باز خوردگیری، نظارت و ارزیابی

آخرین مرحله از فرآیند پیشگیری (یعنی ارزیابی و تعدیل) از منظر وسیع مدیریتی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است . چند نوع فعالیت کاهش جرم وجود دارند که باید مدیریت شوند :خدمات روزمره مانند گشت‌زنی، ارائه رهنمودهای پیشگیرانه از جرم، یا انجام تعلیق مراقبتی . عملیات موردی مانند هدف‌گیری بزهکاری خاص یا ریشه کنی یک جرم به خصوص طرح‌ها یا برنامه‌های سازمان یافته کاهش جرم که مسئله جرم یا بی‌نظمی محلی خاص را در زمان خاص و اغلب از طریق اجرای یک یا چند شیوه پیشگیری مورد هدف قرار می‌دهند. برخی طرح‌ها ممکن است مجموعه تدابیری را شامل شوند یعنی مجموعه ای از طرح‌های مرتبط به هم را در بر گیرند که طیف وسیعی از علل یا شاید مجموعه‌ای کلی از علل مشترک در شماری از مسائل جرم در یک منطقه را مورد هدف قرار می‌دهند. مدیریت می‌تواند در دو سطح راهبردی یا تاکتیکی مورد بررسی قرار

گیرد. سطح راهبردی یا فرآیندی با بررسی جرم و نقشه‌های مداخله آغاز می‌شود و سطح تاکتیکی مدیریت طرح‌های موردی کاهش جرم تحت یک راهبرد وسیع‌تر را در بر می‌گیرد. هر یک از این سطوح ترتیبات متفاوتی را برای مدیریت می‌طلبند. علی‌الاصول، برنامه‌های پیشگیری از جرم در ظاهر امر، امیدوارکننده هستند اما این پیش‌داوری صحیح نیست زیرا حتی اگر کلیه پیش‌بینی‌ها هم در برنامه‌ریزی و طرح ریزی پیشگیری لحاظ شده باشند لیکن باز هم ممکن است در مرحله اجرا با شکست مواجه شود. لذا لازم است که ارزیابی برنامه‌های پیشگیری به صورت علمی صورت گیرد. اصولاً تمایل سازمان‌های دولتی و اداری به این است آثار مثبت برنامه‌های خود را پررنگ‌تر جلوه دهند. به همین جهت بهتر است که برای ارزیابی برنامه‌های پیشگیرانه از افراد متخصصی غیر از مجریان آن برنامه‌ها استفاده شود. شاخص‌های مختلفی برای سنجش نتایج اجرای برنامه‌های پیشگیری ارائه شده است. یکی از شاخص‌های سنجش، کاهش یا توقف یا محدود شدن بزهکاری است. این شاخص با ملاحظه نرخ جرائم قبل و بعد از اجرای برنامه قابل دسترسی است. البته تکیه به آمار ظاهری جرم به تنهایی کافی نیست بلکه بایستی از مکانیسم‌های سنجش نرخ واقعی جرائم نیز بهره جست. شاخص دیگر، تغییر رفتار مردم و ملاحظه تغییر ظرفیت‌های مجرمانه و وضعیت‌های ما قبل بزهکاری است. در قضاوت نسبت به نتایج پیشگیری تعجیل نباید کرد زیرا ممکن است در بدو اجرای برنامه، جرم کاهش پیدا کند لیکن پس از مدتی با پدیده‌ی جابه‌جایی و تغییر یا تبدیل جرم یا سایر پدیده‌های جنبی روبرو شویم مثلاً پس از اجرای تدابیر پیشگیری وضعی در مورد سرقت خودرو، ممکن است در کوتاه مدت، سرقت خودرو کاهش پیدا کند و ما با ملاحظه کاهش مقطعی جرم، تصور کنیم که برنامه پیشگیری موفقیت آمیز بوده است اما پس از مدتی متوجه شویم که جرم به محل دیگری جابجا شده یا از سرقت خودرو به سرقت وسایل داخل خودرو یا سرقت از منازل و مغازه‌ها تبدیل شده است. توصیه شده است که ارزیابی و سنجش برنامه‌های پیشگیری به صورت دوره‌ای انجام شود مخصوصاً در صورتی که برنامه پیشگیری طولانی باشد، طراحان برنامه باید بطور منظم و دوره‌ای نمونه‌برداری کرده و نتایج را ارزیابی کنند. بدیهی است که این ارزیابی‌های دوره‌ای به متخصص پیشگیری امکان می‌دهد که جرح و تعدیل‌های موضعی برای اثربخش‌تر کردن برنامه انجام دهد. در سنجش پیشگیری، متخصص پیشگیری درصدد است که "هزینه‌های" طرح را با منافع آن مقایسه و تجزیه و تحلیل کند. ارزیابی میزان نفع حاصل شده نسبت به هزینه‌های انجام شده به برنامه‌ریزان کمک موثری در تصمیم‌گیری نسبت به توقف یا ادامه یا اصلاح برنامه خواهد نمود. بدیهی است که هدف این سنجش و ارزیابی، انطباق دستاوردهای حاصله با انتظارات و اهداف پیشگیری است. نباید پیشگیری را پیشاپیش موفقیت‌آمیز یا شکست خورده بدانیم.



شکل شماره (۴): فرآیند مدیریت پیشگیری از جرم

گفتار دوم - الگوی عملیاتی فرآیند پیشگیری

الگوی عملیاتی قدری اجرایی تر و کاربردی تر از الگوی علمی است. این الگو در ده مرحله ذکر شده است که هر یک از این مراحل به ترتیب ذکر و توضیح مختصری نیز در مورد آنها داده خواهد شد.

مرحله اول) تعریف مسئله - "در حال حاضر در چه موقعیتی هستیم؟"

باید درک روشنی از مسئله وجود داشته باشد و این درک باید بیشتر مبتنی بر تجزیه و تحلیل باشد تا حدس و گمان. لازم است که حتی در این مرحله نیز سطحی از تمرکز وجود داشته باشد، به عنوان مثال، آیا مسئله جرائم مرتبط با سرقت خودرو است یا جرائم انجام شده بر روی خودروها در پارکینگ ها و غیره؟

مرحله دوم) تعیین اهداف روشن - "به کجای خواهیم برسیم؟"

اقدامات انجام شده در نیروهای پلیس حاکی از آن است که مشکلات بارزی در تعیین اهداف در درون ادارات پلیس وجود دارند. هر یک از اهداف برنامه های پیشگیری از جرم باید معیارهای دقیقی را در بر داشته باشند که برای ارزیابی مفید باشند. این اهداف باید روشن، قابل درک، قابل اندازه گیری (در صورت امکان) و

واقع بینانه باشند (به عنوان مثال قابل حصول باشند). ضمناً این اهداف باید در صورت امکان یک چارچوب زمانی را برای دوره اجرای برنامه تعریف نمایند. این اهداف باید به تمام شرکای برنامه منتقل و مورد پذیرش و موافقت آنها قرار گرفته باشند. بالاخره، برای اجتناب از سرسری شدن تلاش ها، باید محدودیتی در شمار اهداف مختلف تعیین شده برای یک برنامه وجود داشته باشد. این امر تا حد زیادی بسته به این خواهد بود که اهداف تا چه حدی مشابه و مکمل هم باشند. اما، در بسیاری از موارد مشاهده می شود که نیروهای پل‌یس تمایل به ترکیب طیف متفاوتی از اهداف با هم در یک طرح داشته اند. پیشنهاد شده است که هیچ طرحی بیش از دو هدف اصلی نداشته باشد.

مرحله سوم) تعریف راهبردها و تاکتیک‌ها – چگونه باید به هدف برسیم؟"

ماهیت برنامه و اهداف روشن بطور منطقی منجر به شناسایی راهبرد و تاکتیک‌های بالقوه بکار گرفته شده برای رسیدن به آن خواهد گردید.

مرحله چهارم) تعیین منابع – چه کسی برنامه را اجرا و چه کسی هزینه آن را خواهد پرداخت؟"

پس از تعیین اهداف و تاکتیک‌های اجرای برنامه، لازم است که منابع اجرای برنامه از جمله بودجه و نیروی انسانی مشخص شود. در این مرحله به سبب محدودیت منابع ممکن است تجدیدنظر در منابع ضروری باشد.

مرحله پنجم) تعیین فرایند ارزیابی – چگونه باید کاری را که انجام می‌دهیم، اندازه‌گیری کنیم؟"

پیش از اجرای برنامه، ضروری است که رویه‌هایی برای مراقبت از این امر که برنامه به‌طور جامع مورد ارزیابی قرار گیرد، برقرار شود. این وظیفه کوچکی نیست. لازم است مشخص شود که چه شاخص‌هایی باید برای ارزیابی برنامه مورد استفاده قرار گرفته و این امر به نوبت خود شامل ارزیابی قابل دسترس بودن اطلاعات مورد نیاز خواهد بود. همچنین کسب اطمینان از این امر که سازمان و تشکیلات به نحو مناسبی است تا اجازه کسب و تجزیه و تحلیل داده‌ها و انتشار اطلاعات را از طریق فرایند نظارت و ارزیابی بدهد لازم است. در این خصوص توجه به چند نکته لازم است. نخست سطح یا سطوح ارزیابی است که در حال انجام است: به عنوان مثال، آیا ارزیابی باید در سطح کل نیروی پلیس انجام شود یا در سطح منطقه؟ مطلب دوم آن است که نیاز به یک بررسی در مورد سبک یا سنگین بودن ارزیابی وجود دارد؛ صاحب برنامه نیاز به توجه به این امر دارد که آیا نیاز به یک ارزیابی "سریع و سطحی" دارد که می‌تواند نتایج سریع اما مستعد خطا را ارائه کند یا نیاز به یک ارزیابی "تدریجی و دقیق" دارد که دقیق‌تر بوده اما نیاز به مدت زمان طولانی‌تری دارد. مطلب سوم آن است که موضوع انتشار نتایج نیاز به بررسی دارد. این امر مسائلی مانند تعداد تکرار گزارش‌ها، میزان جزئی بودن

آنها، به چه کسانی این گزارش ها ارسال شود و غیره . وظایف متنوع مندرج در این مرحله، اغلب بار سنگینی را بر دوش مدیران برنامه می گذارد و این خطر وجود دارد که این مرحله مورد غفلت واقع شده یا از آنها صرف نظر شود . باید مراقبت کافی به عمل آمده و اطمینان حاصل شود که این مرحله مهم انجام شود و به عنوان جزء تفکیک ناپذیری از برنامه به آن نگریسته شود. این مرحله به نحو جزئی تری در ذیل آمده است .

مرحله ششم) ارزیابی پیش از اجرای پروژه – "آیا برنامه ارزشمند خواهد بود؟"

به منظور آغاز کسب برخی برداشتها از موفقیت های احتمالی برنامه، بررسی عواملی که ممکن است بر برنامه تاثیرگذار باشند، پیش از اجرای برنامه ضروری است . این مرحله موضوع انتظارات جرم و بودجه بندی جرم را شامل شده و ممکن است بررسی هایی در مورد عواملی مانند تأمین منابع، مسائل محیطی و محتوایی و ساختار نیروی انسانی را نیز در برگیرد . با جمع آوری اطلاعات مرتبط با مسائل مذکور، پلیس و سیاست پیشگیری از جرم تصمیم منطقی در مورد احتمال موفقیت برای متولی برنامه امکان پذیر خواهد شد. این محور نیز از مواردی است که کار اندکی در مورد آنها انجام شده است .

مرحله هفتم) تصمیم گیری – "آیا برنامه را اجرا کنیم یا خیر؟"

در این مرحله صاحبان و مدیران برنامه می توانند تصمیم رسمی برای اجرا یا عدم اجرای برنامه اتخاذ کنند . ارزیابی پیش از اجرای برنامه می تواند علائم روشنی را ارائه دهد که آیا احتمال موفقیت برنامه وجود داشته و برنامه باید اجرا شود یا اینکه برخی از اجرای برنامه باید مجدداً بررسی و اصلاح شود، به عنوان مثال، تاکتیک ها، منابع یا اهداف. ممکن است حتی پس از اصلاح نیز ارزیابی مقدماتی حاکی از آن باشد که احتمال موفقیت برنامه بسیار کم است که در این صورت ممکن است اجرای برنامه لغو شود . هر تصمیمی که اتخاذ شود، اگر این فرایند دنبال شود، تصمیم اتخاذ شده به عنوان یک تصمیم رسمی نگریسته خواهد شد که از ارزیابی پیش از اجرای برنامه کسب شده پیش از آنکه منابع زیادی در راه اجرای برنامه صرف شود .

مرحله هشتم) اجرای برنامه – "برنامه را اجرا کنیم."

در صورتی که تصمیم بر ادامه برنامه باشد، برنامه می تواند بر اساس راهبردها و تاکتیک های اتخاذ شده قبلی و منابع مشخص شده، اجرا شود .

مرحله نهم) نظارت در حین اجرا – "چگونه انجام می دهیم؟"

در مورد دوره حیات یک برنامه قبلاً توضیح داده شد . برای شناسایی موقعیت فعلی یک برنامه، لازم است که روند اجرای برنامه بطور قاعده مند مورد نظارت قرار گیرد .

مرحله دهم) ارزیابی - " برنامه را چگونه انجام داده ایم؟ "

یک ارزیابی نهایی می تواند برای ارزیابی مجموع نتایج برنامه انجام شود، هر چند که اگر بر نامه در طول حیات خود مورد سنجش قرار گرفته، ارزیابی نهایی چندان عجیب به نظر نمی رسد. زمان ارزیابی نهایی بسته به مدت زمانی خواهد بود که آثار اجرای برنامه در آن مدت ظاهر شده و قابل اندازه گیری شود. در برخی موارد نتایج اجرای برنامه فوراً معلوم می شود در حالی که در برخی دیگر از موارد لازم است که ارزیابی برنامه مدت زمان بیشتری پس از خاتمه اجرای برنامه، ادامه پیدا کند

بخش سوم: مدیریت راهبردی پیشگیری از جرم

گفتار اول: متولیان پیشگیری و مدیریت آن

برای تحقق اهداف پیشگیری و به عبارت بهتر تحقق فرآیند پیشگیری لازم است راهبردهای آن تدوین گردد. براین اساس با رویکردهای راهبردی، توانمندی های مدیریت پیشگیری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و می بایست مبتنی بر اهداف، اصول و ارزش ها، مأموریت پیشگیری از مرحله چشم انداز تا تعیین خط مشی ها و سپس راهبردها، تدوین گردد. در این بخش ضمن بیان ضرورت تعیین متولی امور راهبردی پیشگیری، به نهادهای داخلی دخیل در پیشگیری اشاره شده و پیش نیازهای مدیریت راهبردی پیشگیری بیان می شود.

طبق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، یکی از وظایف خطیر قوه قضاییه پیشگیری از وقوع جرم می باشد و بدون توجه به این وظیفه مهم بحث درمان و مبارزه با مجرمین و قانون شکنان به هیچ نتیجه مثبت و سازنده ای نخواهد رسید.

به طور مهم وجود نهادهای مختلف دخیل در پیشگیری، ضرورت تعیین متولی راهبردی از آن را بیش از پیش نمایان می سازد. بموجب بند ۱۷ اصول راهبردی سازمان ملل متحد (سند شماره ۲۶۱/۵۶ ژانویه ۲۰۰۲، ایجاد نهادهای دائمی برای پیشگیری از وقوع جرم از جماه وظایف دولت ها شناخته شده است.

بدیهی است اقدامات پیشگیرانه که به منزله واکسیناسیون جامعه در مقابل جرائم است، می تواند به دو صورت متجلی گردد: ۱- قسمتی از این اقدامات اساساً مربوط به زمانی است که هنوز جرم تحقق نیافته است؛ ۲- بخش دیگری از این اقدامات مربوط به زمان پس از وقوع جرم است.

آن بخشی که باید بیش از هر اقدام دیگری مورد توجه قوه قضاییه قرار گیرد، اقدامات پیش از وقوع جرم است زیرا عمل در این مرحله می تواند در سالم سازی جامعه و هدایت افراد نقش عمده و اساسی ایفا نماید. البته اقداماتی که پس از وقوع جرم، در راستای بازسازی مجرم و بازگرداندن وی به آغوش جامعه صورت می پذیرد نیز در جای خود بسیار مهم و ضروری است. زیرا این اقدام نیز در کاهش آمار جرائم، اصلاح مجرمین و در نهایت جلوگیری از تکرار جرم فوق العاده حائز اهمیت است. اما آنچه به پیشگیری های اجتماعی فردمدار و جامعه مدار مربوط است، مسئولیت و وظایفی خارج از حیطه وظایف دستگاه قضایی می باشد که نهادهای مختلف اجرایی در آن دخیلند. مهمترین نهادهای مرتبط به پیشگیری عبارتند از:

۱) نهادهای دولتی (حکومتی) دخیل در پیشگیری از جرم:

نهادهای زیرمجموعه قوه مجریه :

- وزارت آموزش و پرورش
- وزارت جهاد کشاورزی
- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
- وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح
- وزارت ورزش و جوانان
- وزارت اطلاعات
- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
- وزارت دادگستری
- وزارت صنعت، معدن و تجارت
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
- وزارت امور اقتصادی و دارایی
- وزارت راه و شهرسازی
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- وزارت کشور
- وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
- سازمان تعزیرات حکومتی
- ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز
- بانک مرکزی
- گمرک
- ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی
- سازمان ثبت احوال
- بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- سازمان اوقاف و امور خیریه
- سازمان تأمین اجتماعی
- سازمان حسابرسی
- هیأت عالی گزینش
- سازمان حفاظت محیط زیست

- سازمان بهزیستی کشور
- شورای عالی جوانان
- سازمان جنگل ها و مراتع و آبخیزداری کشور
- ستاد مبارزه با مواد مخدر

نهادهای زیرمجموعه قوه قضائیه :

- معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم (سازمان پیشگیری از جرم)
- دیوان عدالت اداری
- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
- دادستانی کل کشور
- سازمان قضایی نیروهای مسلح
- سازمان بازرسی کل کشور
- سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی
- بنیاد تعاون و حرفه آموزی و صنایع زندانیان کشور
- مرکز امور مشاوران حقوقی و کلا و کارشناسان قوه قضائیه
- سازمان پزشکی قانونی

نهادهای زیرمجموعه قوه مقننه :

- دیوان محاسبات
- شورای نگهبان

(۲) نهادهای غیردولتی دخیل در پیشگیری از جرم:

نهادهای جامعه‌ی :

- کانون وکلای دادگستری
- کانون سردفتران و دفتریاران
- سازمان نظام پزشکی
- سازمان نظام پرستاری و مامایی
- سازمان نظام روانشناسی و مشاوره
- سازمان نظام مهندسی
- کانون صنفی فرهنگیان

- شورای اصناف

موسسات عمومی غیر دولتی :

- شهرداری
- کمیته امداد امام خمینی
- بنیاد شهید و امور ایثارگران
- سازمان صدا و سیما
- جمعیت هلال احمر
- شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی

شوراها

- شورای عالی انقلاب فرهنگی
- شورای فرهنگی و اجتماعی زنان و خانواده
- شورای اسلامی شهر
- شورای فرهنگ عمومی

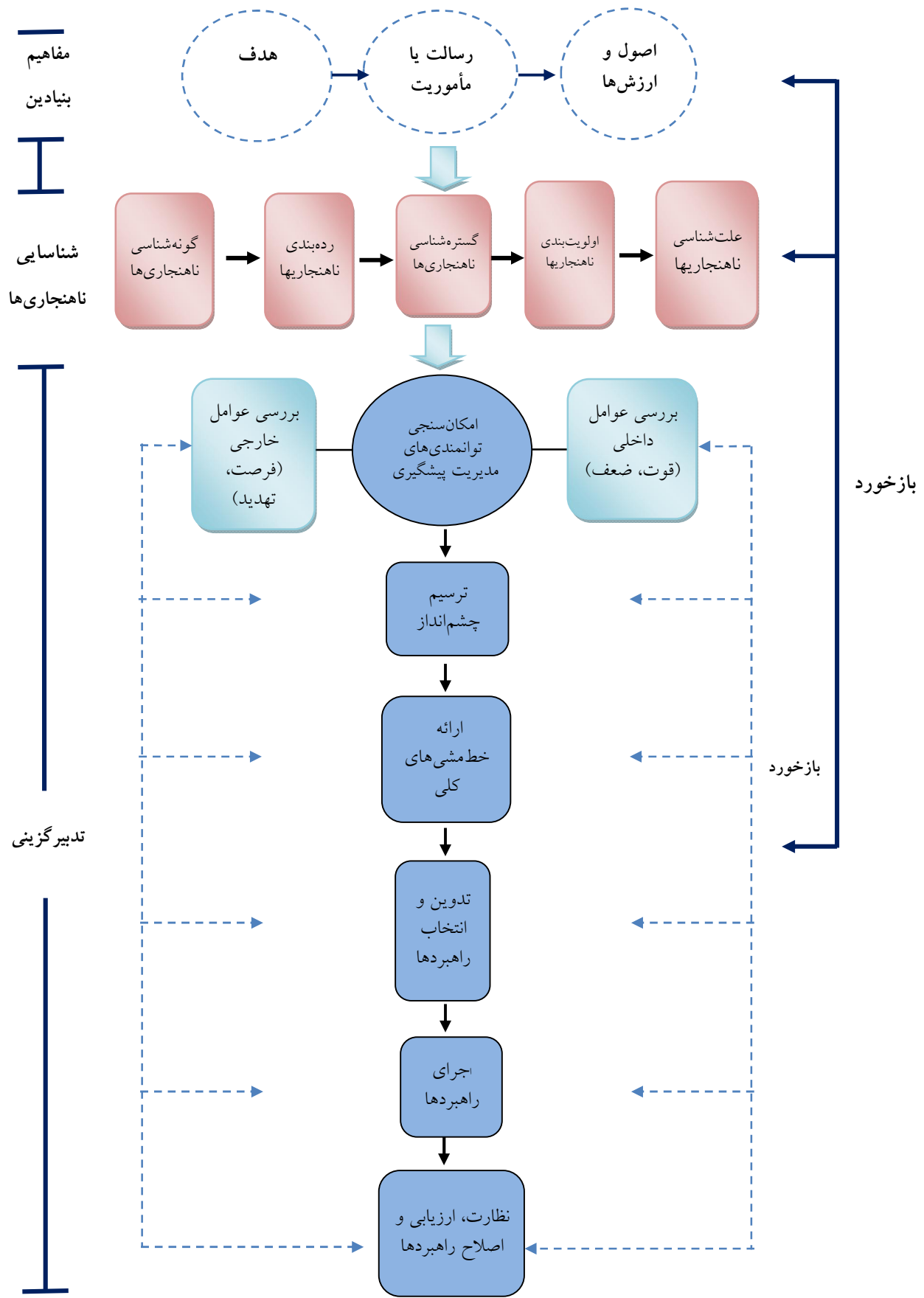
نهادهای انقلاب اسلامی :

- سازمان تبلیغات اسلامی
- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی

با توجه به تدابیر و راهکارهای بسیار زیاد پیشگیرانه و حوزه‌های متفاوتی که جرم را شامل می‌شد و گستردگی و تنوع و پیچیدگی‌شان و هم بدلیل علل و عوامل جرایم، مقوله پیشگیری را یک مقوله میان رشته‌ای کرده و رشته‌های مانند حقوق، الهیات، علوم اجتماعی، روان شناسی، آمار و ... در زمینه پیشگیری از جرم دخیل هستند و از طرفی بحث پیشگیری را بحثی فرابخشی کرده و با توجه به گستره‌ی وسیعی که در مباحث اجتماعی، فرهنگی و وضعی دارد تمام حوزه‌ها را درگیر خود کرده لذا فرابخشی است.

بنابراین پیشگیری نیازمند مدیریتی است که فراگیر و جامع باشد و بخش‌ها و حوزه‌ها و متولیان را بتواند تحت پوشش قرار دهد و هدفمند باشد تا برنامه‌هایی که طراحی می‌شود دارای اثربخشی و کارایی باشد. بنابراین پیشگیری از وقوع جرم؛ مقوله‌ای فرابخشی و نیازمند مدیریت جامع و هدفمند می‌باشد.

شکل شماره ۵: «الگوی مدیریت راهبردی پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی»



گفتار دوم: پیش‌نیازهای مدیریت پیشگیری از وقوع جرم:

۱. پیش‌نیازهای قانونی - مقرراتی

✓ در زیر به مهمترین جایگاه‌های قانونی پیشگیری از جرم اشاره می‌شود. قبل از مفاد قانونی به برخی از مهمترین اشارات و ابلاغات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) با محوریت بحث پیشگیری از جرم اشاره می‌شود:

✓ سخنرانی رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با رییس و مسئولان قوه قضاییه: مورخ اول تیرماه ۱۳۹۳

ایشان در این جلسه شش اولویت اصلی را برای دوره جدید قوه قضاییه بیان فرمودند که این اولویت‌ها به قرار زیرند:

✓ ساز و کار ویژه و روشن برای اجرای سیاست‌ها

✓ نظارت بر عملکردها اعم از عملکرد قضات و عملکرد مدیران

✓ لزوم عدم تأخیر در اجرای احکام

✓ کادرسازی و جانشین پروری

✓ پیشگیری از جرم

✓ افزایش همکاری‌های سه قوه

همانطور که ملاحظه می‌شود ایشان یکی از اولویت‌های اصلی قوه قضاییه در دوره جدید را پیشگیری از وقوع جرم دانسته‌اند و در خصوص اولویت پیشگیری از جرم خاطر نشان کرده‌اند:

«پیشگیری از جرم یک موضوع فراقوه‌ای است، بنابراین قوه قضاییه برای پیشگیری از جرم باید ارتباط خود

را با دستگاه‌های مرتبط با این موضوع، مستحکم و نقاط اشتراک با آنها را تقویت کند. پیشگیری از جرم، یک

موضوع کاملاً علمی، نیز هست و بر همین اساس باید برای شناسایی عوامل جرم و آسیب‌های ناشی از آن با

صاحب‌نظران و کارشناسان این موضوع مشورت و همکاری شود.»

همچنین ایشان در متن تمدید دوره ریاست آیت الله لاریجانی، «امنیت اجتماعی و پیشگیری از جرم» را مهمترین

مسئولیت قوه دانسته‌اند. طی این حکم، بهره‌مندی از زیر ساخت‌های فراهم شده در دهه‌های گذشته، استفاده از

تجارب دوره نخست مسئولیت، تعامل و همکاری قوای سه گانه، اهتمام به تحقق سیاست های کلی و رویکردهای اعلام شده نظام در امور قضائی بویژه در شش زمینه زیر مورد اشاره قرار گرفته است:

«ایجاد ساز و کار مناسب برای دسترسی آسان همگان به عدالت، کوتاه کردن مسیر دادرسی، اصلاح قوانین و تهیه لوایح مورد نیاز قوه، تأمین سلامت ارکان قوه با اعمال نظارت مناسب، مبارزه اساسی با فساد، و از همه مهمتر ایجاد امنیت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم با معاضدت دستگاه های مسئول، در پرتو اغتنام از فرصت های پرشتاب»

همچنین از جمله سیاست های کلی قضایی ابلاغی مقام معظم رهبری مورخ ۱۳۸۸/۹/۲ «اهتمام به پیشگیری از وقوع جرم و لزوم همکاری سایر دستگاه ها با قوه قضاییه در این زمینه» از سیاستهای اصلی ابلاغی بوده است. از جمله مهمترین اسناد بالادستی که موضوع پیشگیری در آنها مورد اشاره قرار گرفته است به قرار زیرند^۱:

✓ بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی که بموجب آن یکی از وظایف قوه قضاییه، اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین شناخته شده است.

✓ قانون برنامه دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۳-۱۳۷۷) بند ب تبصره ۶۹:

«به منظور ایجاد نظم عمومی و وجدان کاری و اعمال روشهای غیر مستقیم جهت اقدام و رعایت قانون و نظم اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دولت مکلف است طرح آموزش همگانی مردم را تهیه و اجرا نماید.»

✓ قانون برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۸۹): بموجب بند «ز» ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران قوه قضاییه موظف است لوایح ذیل را تهیه و به تصویب مراجع ذیصلاح برساند:

^۱ لازم به ذکر است قوانین مورد اشاره از بین دهها قانونی است که مساله پیشگیری از جرم در آنها به صورت صریح و یا ضمنی مورد اشاره واقع شده است به عنوان نمونه می توان به قوانین مهم دیگری مانند قانون ارتقاء نظام سلامت اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰ (فصل دوم این قانون مربوط به وظایف دستگاه های اجرایی در پیشگیری از فساد است)، قانون خانواده مصوب ۱۳۹۱، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ (فصل دوم این قانون مربوط به موضوع پیشگیری از قاچاق است) اشاره کرد.

- استقرار نظام قضائی سریع، دقیق، بالسویه در دسترس، ارزان، قابل پیش‌بینی قانونی، منصفانه و قاطع.
- پایه‌گذاری و تضمین بنیادهای حقوق مالکیت خصوصی و معنوی، در قلمرو قضائی.
- رفع هرگونه تبعیض، قومی و گروهی، در قلمرو حقوقی و قضائی.
- تمهید سازوکارهای لازم برای پیشگیری از وقوع جرم، براساس اصل یکصد و پنجاه و ششم

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۱

✓ برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۴):

- بند (د) ماده ۲۱۱- به منظور گسترش فرهنگ حقوقی و قضائی، اصلاح رفتار حقوقی و قضائی مردم، نهادینه‌سازی فرهنگ قانون‌مداری و نیز در راستای پیشگیری از وقوع جرائم و کاهش دعاوی حقوقی، اقدامات ذیل انجام می‌شود:

آموزش همگانی طبق برنامه مصوب قوه قضائیه از طریق صدا و سیما آموزش همگانی حقوق شهروندی در خصوص امور مالیاتی، اداری، کار و تأمین اجتماعی، محیط‌زیست، بانکی، بیمه‌ای و مشابه آن توسط دستگاه‌های ذی‌ربط از طریق صدا و سیما پیش‌بینی مواد درسی لازم برای آموزشهای مذکور در دوره‌های راهنمایی تحصیلی و متوسطه.

- بند(ه) ماده ۲۱۱- به منظور تحقق بند (۳) سیاستهای کلی قضائی پنجساله ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری، دستگاههای اجرائی از جمله نیروی انتظامی، سازمان بسیج مستضعفین، نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی نظیر جمعیت هلال‌احمر و شهرداریها، مکلفند در چهارچوب وظایف خود همکاری لازم را با قوه قضائیه در اجرای برنامه‌های پیشگیری از وقوع جرم، معمول دارند.

✓ برنامه دوم توسعه قضایی (۱۳۸۵-۱۳۸۹):

بموجب فصل اول برنامه دوم توسعه قضایی مأموریت های قضایی نظام جمهوری اسلامی ایران عبارت است از:

^۱ این لایحه در تاریخ ۱۳۸۸/۲/۹ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و با ایرادات شورای نگهبان و اصرار مجلس هم‌اکنون در مجمع تشخیص مصلحت نظام در دست بررسی است.

بند ۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان

همچنین بموجب فصل سوم این برنامه با عنوان هدفهای عینی و اختصاصی برنامه، یکی از اهداف به قرار زیر موضوع پیشگیری از جرم را مدنظر قرار داده است:

۱. افزایش مشارکت مردم و نهادهای مدنی در حوزه عدالت که بند اول آن، مشارکت در حل و فصل دعاوی و پیشگیری از جرم است.

✓ برنامه سوم توسعه قضایی (۱۳۹۰-۱۳۹۴):

این برنامه دارای ۵ فصل، ۱۹ راهبرد، ۸۰ هدف و ۵۳۱ برنامه می باشد که این معاونت به طور مستقیم با سه فصل ۴ راهبرد و ۴۷ برنامه مرتبط است. در این فهرست، معاونت پیشگیری در خصوص ۳۶ برنامه مسئولیت مستقیم دارد و در خصوص ۶۲ برنامه به عنوان همکار منظور شده است.

مجموعه قوانین فوق لزوم متمرکز شدن امور پیشگیری و تعیین راهبردی آن را گوشزد می کند که قوه قضاییه بنا بر وظیفه قانونی خود با تهیه و تصویب لایحه پیشگیری از جرم این مهم را دنبال می کند. در لایحه مذکور مواردی از قبیل تعریف پیشگیری از جرم، تشکیل شورای عالی پیشگیری و اعضای آن، تشکیل سازمان پیشگیری، تشکیل شورای استانی و شهرستانی پیشگیری و اعضای آنها مورد اشاره قرار گرفته و وظایف هر یک از این شوراها ذکر شده است.

۲. پیش نیازهای شکلی - ساختاری

پیش نیازهای شکلی و ساختاری پیشگیری، به صورت مختصر عبارت از موارد زیر است:

- وجود متولی مدیریت راهبردی پیشگیری از وقوع جرم
- تشکیل گروه های سیاست گذاری
- استفاده از متخصصان علوم مختلف حقوق، جامعه شناسی، روان شناسی و ...
- حضور و فعالیت و همکاری دستگاه های مختلف در امور پیشگیرانه

۳. پیش‌نیازهای محتوایی - مطالعاتی

بدیهی است عملیاتی نمودن راهبردهای پیشگیرانه مبتنی بر پیش‌نیازهای مطالعاتی و علمی در حوزه‌های علوم مختلف است. مهمترین این مطالعات می‌تواند در زمینه‌های زیر باشد:

✓ مطالعات مربوط به ناهنجاری‌ها

✓ شناسایی و طبقه‌بندی ناهنجاری‌ها

✓ گستره شناسی ناهنجاری‌ها

- گستره شناسی کمی مانند اطلس جغرافیای جرم، آمار تعداد مجرمین

- گستره شناسی کیفی مانند شناسایی افراد مستعد بزه‌دیدگی، وضعیت اشتغال

✓ شناسایی علل و عوامل وقوع جرائم: بزه‌کارمحور، بزه‌دیده‌محور، موقعیت‌محور

این عوامل به صورت مختصر عبارتند از :

- بزه‌کار محور

در بحث بزه‌کارمحوری علل و عواملی دخیل‌اند که عبارتند از:

الف) **علل و عوامل فردی:** ۱-عوامل زیستی (وراثت و نقش آن در ارتکاب جرم)، نژاد، جنسیت، سن و ۲-روحي و روانی

لومبروزو مجموعه‌های مجرمین را بررسی و طبقه‌بندی می‌کرد که پیشرفت زمان نشان داد نقش وراثت در ارتکاب جرم چندان تعیین‌کننده نیست اما نمی‌توان تأثیر اندک آن را نفی کرد و البته طیف وسیعی از احادیث ناظر به نقش تربیتی می‌باشد.

در بحث نژاد بررسی‌ها نشان داد پیش‌داوری که مردم نسبت به یک قوم داشته باشند سبب سوق دادن آن قوم یا نژاد به سمت جرم می‌شود بنابراین نقش نژاد هم چندان تأثیر بسزایی در ارتکاب جرم ندارد.

در خصوص جنسیت این دیدگاه وجود داشت که معمولاً خانم‌ها کمتر مرتکب جرم می‌شوند اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که این دیدگاه به دلیل عدم حضور بانوان در جامعه نسبت به آقایان بوده یا دیدگاه ترحم‌آمیزی که پلیس نسبت به خانم‌ها داشته پس جنسیت هم در ارتکاب جرم چندان مؤثر نیست.

سن: سن ارتکاب جرم و نوع جرمی که در سنین مختلف روی می‌دهد اهمیت دارد و تحقیقات نشان می‌دهد که معمولاً از ۱۲-۱۵ سالگی جرم چندان رخ نمی‌دهد بیشتر تخلفات و انحرافات و شروع جرایم افراد از ۱۶-۲۵ سالگی می‌باشد و سن ۲۵-۳۰ اوج جرایم است که بیشتر جسمانی می‌باشد مثل قتل و ضرب و جرح، از ۳۰ سالگی به بالا جرایم کمتری رخ می‌دهد به‌خصوص جرایم جسمانی کمتر و جرایم وابسته به فکر بیشتر است مثل اختلاس و کلاهبرداری و از سن بازنشستگی (۵۰ به بعد) آموزش ارتکاب جرم و راهنمایی مجرمین انجام می‌شود.

ب) علل و عوامل بیرونی (محیطی):

۱- **عوامل جغرافیای طبیعی:** مکتب محیط طبیعی (جغرافیایی) که اشاراتی کرده بود به بحث آب و هوا و تأثیرش بر منش و شخصیت افراد و مکتب دیگر، جغرافیای جنایی بود که تأثیر فصول و مناطق بر ارتکاب جرم را بررسی کرده بود و نتیجه‌اش بدین صورت بود که در فصول گرم و مناطق جنوبی میزان ارتکاب جرایم بیشتر و نوع جرایم بیشتر خشونت‌آمیز و وابسته به جسم انسان است و در فصول سرد و مناطق شمالی میزان جرایم کمتر و جرایم بیشتر از نوع مالی می‌باشند.

۲- **محیط اجتماعی:** خود به دو قسمت تقسیم می‌شود:

- محیط عمومی: ناظر بر همه افراد جامعه است مانند محیط‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و همچنین نقش اقتصاد را در ارتکاب جرم بررسی می‌کند بدین صورت که فاصله‌های طبقاتی، افراد را مجبور به ارتکاب جرم می‌کند و یکی از مباحث کمونیستی که همه از سهم مساوی برخوردار باشند از ارتکاب جرم و فاصله‌های طبقاتی جلوگیری کند.

یا در جرم‌شناسی رادیکالی نقش سیاست و دیدگاه سیاسی حاکم بر جامعه را جرم‌زا می‌دانند مانند اینکه سیاستمداران در جهت منافع خودشان رفتاری را علیه افراد فرودست جامعه تصویب می‌کنند که اینها اگر چنین رفتاری را انجام دهند مجرم اند و بحث اصلاح و درمان مجرمین را قبول ندارند مثلاً ممکن است یک رفتار در یک کشور نابهنجار باشد ولی جرم نباشد ولی در کشور دیگر جرم باشد یا رفتاری در یک کشور بهنجار و در کشور دیگر رفتاری نابهنجار باشد مانند چند همسری که در برخی کشورها چند همسری جرم است اما در ایران جرم نیست پس در محیط عمومی این عوامل بایستی بررسی شوند.

-محیط شخصی: شامل محیط تحصیل، کار، خانواده، سربازی و ... باشد و نقش تعیین کننده‌ای در شکل‌گیری شخصیت فرد دارد زیرا اگر شخصیت یک فرد در یک محیط بهنجار شکل گیرد حتی اگر بیکار یا فقیر هم باشد چون شخصیتش شکل گرفته حاضر نباشد هر جرمی را انجام دهد اما اگر شخصیت متزلزلی داشته باشد راحت‌تر مرتکب جرم می‌شود.

بزه دیده‌محور:

تقریباً از نیمه دوم قرن ۲۰ میلادی نقش بزه دیده در ارتکاب جرم بررسی شد. یک عامل که در میزان مجازات بزهکار مؤثر است نقش بزه‌دیده است زیرا بزه‌دیده می‌تواند با تحریک بزهکار سبب ارتکاب جرم شود. در بزه‌شناسی حمایتی، افشار آسیب‌پذیری که در معرض خطر بزه‌دیدگی قرار دارند بیشتر مورد حمایت قرار می‌گیرند که معیارها هم می‌تواند مختلف باشد مثلاً جنسیت، سن، اقلیت، دین، فرهنگ مثلاً از لحاظ سن، کودکان و افراد سالخورده بیشتر در معرض آسیب‌اند. یا از لحاظ جنسیت، خانم‌ها بیشتر در معرض بزه‌دیدگی هستند لذا افرادی که بیشتر در معرض آسیب‌اند نیاز به حمایت‌های بیشتری دارند. ابتدا جهت جلوگیری از بزه‌دیدگی این افراد صورت می‌گیرد و در صورت آسیب، حمایت‌های پزشکی و روان‌پزشکی از این افراد صورت می‌گیرد که در ایران این وظیفه بیشتر به عهده سازمان بهزیستی واگذار گردیده است.

موقعیت‌محور:

موقعیت جرم یا فرصت جرم به زمان و مکان جرم اشاره دارد مثلاً در نظریه‌ی فعالیت‌های روزمره به بررسی بازه‌های زمانی و مکان‌هایی که ارتکاب جرم بیشتر است پرداخته‌اند مانند بحث زمان روز و مکان سکونت‌گاهها حاشیه‌ای که چون افراد در روز به محل کار می‌روند و در منازل کسی نیست فرصت و موقعیت مناسب برای مجرم مهیاست لذا سیاست‌گذاری در پیشگیری وضعی حائز اهمیت است تا از ارتکاب جرم کاسته شود. علاوه بر آن شناسایی شگردها و ابزارهای ارتکاب جرم نیز بسیار مهم است.

✻ مطالعات مربوط به بررسی‌های محیطی (عوامل داخلی و خارجی)

✓ عوامل داخلی: امور داخلی حاکمیت

✓ عوامل خارجی: امور خارج از حاکمیت

مطالعاتی مربوط به توانمندی‌های سازمان متولی امر پیشگیری از وقوع جرم است که بایستی در تدابیر مربوط به پیشگیری این توانمندی‌ها لحاظ گردد از جمله مطالعات مربوط به بررسی‌های محیطی مطرح است که شامل عوامل داخلی و خارجی است که در عوامل داخلی به بررسی نقاط قوت و ضعف و در عوامل خارجی به بررسی فرصت‌ها و تهدیدها می‌پردازیم البته با توجه به اینکه قوه قضاییه متولی امر پیشگیری از وقوع جرم می‌باشد هر آنچه که مربوط به حاکمیت (دولت/state) است را عوامل داخلی محسوب کرده و سایر عوامل خارج از حاکمیت چه در داخل کشور و چه خارج از کشور را عوامل خارجی محسوب می‌کنیم.

در خصوص مدیریت پیشگیری از جرم مدل‌های مختلفی داده شده که اخیراً یکی از این مدل‌ها، مدل سارا است (ارزیابی، پاسخگویی، تجزیه و تحلیل، پویش) که در سالهای اخیر مطرح شده است.

البته مدل‌های زیادی در راستای پیشگیری از جرم ارائه شد که دارای زیادی بود که به تلفیق مدل ارائه شده مدیریت راهبردی و سایر مدل‌های پیشگیری از جرم پرداخته شد. خلأهای مدل‌های پیشگیری عبارتست از ۱-عدم بررسی عوامل داخلی و خارجی که برای اجرایی شدن بررسی این عوامل ضروری است. ۲- سیاست‌های کلی در آن در نظر گرفته نمی‌شد مثلاً در ارائه راهکار بایستی سیاست‌های کلی را در نظر بگیریم مثلاً زندان برای مجازات و پیشگیری از جرم تدبیر مناسبی است اما اگر سیاست حبس‌زدایی مطرح باشد و زندان نه تنها اثربخش نباشد بلکه معطل‌های زیادی نیز به همراه داشته باشد در ارائه راهکار سیاست کلی حبس‌زدایی را بایستی در نظر بگیریم هرچند حبس مؤثر باشد اما بایستی در راستای سیاست‌های کلی حرکت نمود سپس بدلیل فقدان جامعیت مدل پیشگیری ما را بر آن داشت تا آن را با مدل راهبردی تلفیق کنیم و مدل راهبردی هم این مشکل را داشت که در حال حاضر اکثر مدل‌های راهبردی وارد حوزه اقتصادی می‌شود در حوزه اقتصاد هم مأموریت هر سازمان مشخص است و اکثراً کسب سود و منفعت را می‌خواهند لذا به بررسی یک سری عوامل داخلی و خارجی می‌پردازند و سپس به طراحی برنامه می‌پردازند اما در پیشگیری از جرم تعیین مأموریت گام نخست است که این بسیار مشکل است که بتوان در هر حوزه‌ای وظیفه سازمان متولی را مشخص کرد.

گفتار سوم: فرآیند مدیریت پیشگیری از جرم^۱

در برخورد با پدیده جرم و بزهکاری دو گزینه اصلی در برابر اولیای امور قرار دارد. گزینه اول؛ رویکرد سنتی سرکوبی و مجازات است که صرفاً با اعمال شدت عمل و از طریق سیستم عدالت کیفری (شامل دادگاه، پلیس و زندان) پیگیری می‌شود. این رویکرد در تجربه طولانی بشر، ناتوانی خود را در حل اساسی مشکل جرم، نشان داده است. گزینه دوم؛ مقوله پیشگیری از جرم است. به دلیل کارآیی بالای این رویکرد در دو دهه اخیر، اقبال زیادی به پیشگیری از جرم در جوامع مختلف دیده می‌شود.

به دلیل گستردگی تدابیر پیشگیرانه و نیز متولیان متعددی که در این خصوص وجود دارند، مدیریت این امر از اهمیت وافری برخوردار است. می‌توان مفهوم مدیریت پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی را «پیش‌بینی و شناسایی علل و عوامل خطر وقوع جرم و به کارگیری و هدایت مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی به منظور پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی با برنامه‌ریزی، ساماندهی، هماهنگی، نظارت و ارزیابی» دانست.

مؤلفه‌های مفهوم مذکور را می‌توان بدین شکل تعریف کرد:

برنامه‌ریزی: تعیین اهداف، برنامه‌ها و اقدامات؛

ساماندهی: تعیین نقش‌ها، مسئولیت‌ها و تخصیص وظایف؛

هماهنگی: برقراری روابط مناسب بین بخش‌های مختلف و ایجاد انسجام و یکپارچگی؛

نظارت: کنترل و مراقبت در طی اقدامات اجرایی و اتخاذ تدابیر مناسب در رفع مشکلات احتمالی؛

ارزیابی: تعیین میزان رسیدن به اهداف به منظور تجدیدنظر احتمالی در اقدامات با استفاده از شاخص‌های معین.

چنانچه از مفاهیم مذکور نیز آشکار است، مدیریت پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی در فرآیندی چند مرحله‌ای صورت می‌پذیرد.

^۱ از آنجا که این جزوه آموزشی با محوریت آشنایی با مبانی و مفاهیم پیشگیری از جرم تهیه شده است لذا سرفصل مدیریت راهبردی پیشگیری از جرم به صورت مختصر اشاره می‌گردد. علاقمندان به این حوزه می‌توانند به کتاب راهنمای کارگاه علمی و کاربردی منتشر شده توسط معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، بهار ۱۳۹۱، و کتاب مدیریت راهبردی پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی مراجعه نمایند.

در سال اخیر نسخه‌هایی از اقدامات پیشگیرانه از قبیل مدل «سارا» (SARA) ارائه شده‌اند. تدابیر منسجم پیشگیری متنوع‌اند و برخی از آنها بیشتر نظری و علمی و برخی دیگر جنبه عملیاتی و کاربردی دارند. در الگوهای علمی ارائه شده برای پیشگیری از جرم، کم و بیش مراحل زیر دیده می‌شود:

۱- شناسایی مسئله جرم و هدف گذاری؛

۲- آسیب شناسی علل جرم؛

۳- انتخاب اقدامات ویژه و ارائه راه حل‌های عملیاتی و کاربردی؛

۴- اجرای راهکارهای پیشگیرانه؛

۱- ارزیابی و تعدیل نتایج اجرای برنامه.